



شعله جاوید



ارگان مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

جریده شعله جاوید ارگان مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان است که عمدتاً در خدمت تدارک، برپائی و پیشبرد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی (شکل مشخص کنونی جنگ خلق) قرار دارد. (اساسنامه حزب-مصوب سومین کنگره سراسری)

شماره (۱۴)

دوره پنجم

خواری ۱۴۰۲ (جون ۲۰۲۳)

خوانندگان نهایت عزیز:

این شماره از شعله جاوید به مسائل بین المللی اختصاص یافته است که شامل اعلامیه مشترک احزاب و سازمان های م ل م در مورد اول می و همچنان اوضاع و احوال منطقوی و بین المللی می باشد. تحلیل اوضاع داخلی کشور و منطقه چون از گنجایش این شماره خارج بود، به شماره بعد محول گردید.

اعلامیه مشترک احزاب و سازمان های م ل م بمناسبت اول می ۲۰۲۳ م.

پرولتاریا و مردم تحت ستم سراسر جهان متحد شوید!
اول می روز نبرد کارگران علیه امپریالیزم،
ارتجاع جنگ و بدبختی و به انجام رسانیدن
انقلاب سوسیالیستی در سراسر جهان است!

صفحه (۲)

اعلامیه اول ماه می ۲۰۲۳ میلادی که توسط
حزب کمونیست هند (مائوئیست) ارائه گردیده و
احزاب و سازمان های م ل م بصورت مشترک آنرا
امضاء نمودند.

زنده باد روز جهانی پرولتری روز می

صفحه (۶)



اعلامیه مشترک احزاب و سازمان‌های م ل م بمناسبت اول می ۲۰۲۳ م.

پرولتاریا و مردم تحت ستم سراسر جهان متحد شوید!

اول می روز نبرد کارگران علیه امپریالیزم، ارتجاع جنگ و بدبختی و به انجام رسانیدن انقلاب سوسیالیستی در سراسر جهان است!

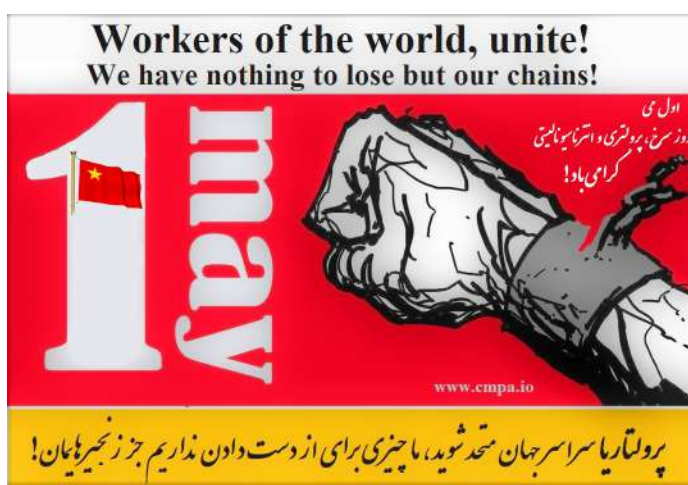
اول می روزی است که در آن طبقه کارگر و توده‌های استثمار شده جهان در آرزوی حضور پررنگ در میدان‌ها و خیابان‌های تمامی کشورها به عنوان یگانه طبقه انترناسیونالیستی، علیه استثمار سرمایه‌داری جهانی بسیج شوند.

در این روز کارگران و توده‌های مردم، سیستم کاپیتالیستی و نقش امپریالیزم در کشورهای تحت سلطه را افشاء می‌کنند، و با سازمان‌های سندیکایی هم‌دست، احزاب «کارگر فروش» که با استثمارگران و استثمار کارمزدی و خادمین انحصارات بزرگ امپریالیستی که سود و سرمایه را انباشت کرده‌اند، ستیزه می‌کنند.

قیمت‌های کالاهای ضروری، نسبت به ۴۰ سال قبل در بالاترین سطح آن است و دستمزدهای اصلی طبقه کارگر بیشتر از گذشته تنزیل یافته است. در تمامی صنایع بزرگ، بیکاری و انقباض چشم‌گیر نیروی کار رو به افزایش است. در طی ۱۰ سال گذشته ۹۹ درصد از ثروت جهان در اختیار یک درصد سرمایه داران است.

سطح تخریب طبیعت و محیط زیست توسط سرمایه‌داری در حال بالا رفتن است و حوادث طبیعی به سرعت افزایش می‌یابد که نابرابری اجتماعی تراژیدی‌های مخوف را برای مردم جهان بار می‌آورد.

کاپیتالیزم سیستم انباشت سرمایه، سود و استثمار طبقات زحمتکش است. تولید سرمایه‌داری بطور روز افزون ضد تولید اجتماعی و با تصاحب روز افزون



مالکیت خصوصی مشخص می‌شود. این تضاد اساسی است که باعث زوال اجتناب ناپذیر آن می‌گردد.

همانطوری که مارکس به درستی اشاره کرده است، سرمایه آبریز خون و چرک از هر منفذی و از سر تا پنجه پا می‌باشد، و یگانه راه رهایی طبقه کارگر این است که نظام سرمایه‌داری را با تمام نیروی لازم نابود کند.

مارکس و کمونیست‌ها تأیید می‌کنند که تاریخ را مبارزه طبقاتی می‌سازد و امروز جهان با شرایط تاریخی مواجه است که از یک سو امپریالیزم با بحران مواجه است و این بحران را بر سر سازمان‌های پرولتری و کمونیستی، بر سر پرولتاریا و توده‌های مردم تخلیه می‌کند و مبارزات را سرکوب می‌نماید؛ از سوی دیگر، پرولتاریا و توده‌های مردم درگیر مبارزات و شورش‌های گسترده‌ای می‌شوند که حکومت‌های امپریالیستی و ارتجاعی، دولت‌های بورژوازی و کل نظام اجتماعی سرمایه‌داری امپریالیستی را زیر سؤال می‌برد.

نیازمند وحدت، سازماندهی و رهبری است، برنامه‌ای برای سرنگونی آن (امپریالیسم) و ساختن قدرت نوین برای جامعه‌ای نوین می‌باشد.

بورژوازی کشورهای امپریالیستی در مواجهه با بحران اقتصادی جهانی، به سوی جنگی برای مقابله با آن می‌روند. جنگ امپریالیستی که کشتارگاه دیگری برای تقسیم مجدد جهان شمرده می‌شود. همه کشورهای امپریالیستی، ایالات متحده، روسیه، چین، اروپا، جاپان، فعالانه برای جنگ جهانی، با استفاده از تمام سلاح‌های خود که از قبل در دسترس دارند، با استفاده از زرادخانه‌های خود که با سلاح‌های پیشرفته تجدید می‌کنند، آماده می‌شوند که [این] صنعت جنگ برای آنها سودهای هنگفتی انباشت می‌کند.

طبقات حاکم و نوکران‌شان در کشورهای تحت سلطه، در مواجهه با تدارکات جنگ جهانی، خود را در خدمت اربابان امپریالیست مربوطه خود بر خلاف منافع و خواست مردم خود قرار داده‌اند.

تنها نیروی اجتماعی که قادر است با جنگ مخالفت کند و وقتی شروع شد، آن را به یک جنگ انقلابی تبدیل نماید، پرولتاریا است. آنها باید مانع استقرار سربازان، اسلحه‌ها، استخدام پرولتاریا به عنوان «گوشت دم توپ» برای یک جنگ ناعادلانه شوند. در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم باید مبارزات ضد امپریالیستی و جنگ‌های خلق را تشدید کنند. وحدت و مبارزات انقلابی پرولتاریا و مردم جهان می‌تواند تدارکات یک جنگ امپریالیستی و خود جنگ را به یک جنگ انقلابی داخلی، به جنگ توده‌های مردم برای از بین بردن سلطه امپریالیستی و شکست قدرت سرمایه در تمام کشورها تبدیل کند.

همه احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست - مائوئیست جهان باید بحران کنونی امپریالیسم و جنگ امپریالیستی را به جنبش‌های پرولتاریایی و توده‌های مردمی در جهان به هدف انقلاب پرولتری و سوسیالیستی با توجه به مراحل مختلف در کشورهای مختلف تبدیل کنند.

تمام جهان شاهد جنبش‌ها و مبارزاتی طبقاتی طبقه کارگر و توده‌های مردمی علیه اصلاحات حقوق بازنشستگی حکومت مکرون برای تصرف خیابان‌ها در پاریس و دیگر شهرهای فرانسه می‌باشد. مبارزات بزرگ نیز در بریتانیای کبیر، آلمان و سوئیس شکل می‌گیرد.

دولت امپریالیستی فرانسه با سرکوب، پاسخ این مبارزات بزرگ را می‌دهد. اما سرکوب متوقف نمی‌شود، بلکه به مبارزه پرولتاریا و توده‌های مردمی دامن می‌زند که مبارزات جنگ جویانه را بر لبه دموکراسی بورژوازی توسعه می‌دهند.

امروز بیش از هر زمان دیگری آشکار است که این سرمایه‌داران امپریالیست هستند که مانع پیشرفت اجتماعی می‌شوند، آنها طبقه انگلی هستند که باید از روی زمین محو شوند.

مبارزات پرولتاریا و توده‌های مردم که در برابر حملات سرمایه‌داران روی مسئله دستمزد، مراقبت‌های صحتی و شرایط معیشتی به دلیل استثمار آنها مقاومت می‌کنند، باید منجر به لغو مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و امتیاز تصاحب محصول کار شود.

تاریخ نشان داده است که امپریالیسم برای غلبه بر بحران به سمت جنگ، تقسیم جهان و تصاحب بازار جهانی می‌رود. جنگ روسیه و اوکراین نتیجه رقابت امپریالیستی بین روسیه و آمریکا است، جنگ تقسیم جهان برای کنترل انحصاری منابع طبیعی است. از زمان آغاز جنگ، سود صنایع جنگی شرکت‌های نفت و گاز دو برابر شده، در حالی که شرایط طبقه کارگر، دهقانان و توده‌های مردم بدتر شده است.

بورژوازی دیگر نمی‌تواند با پارلمان و انتخابات حکومت کند، پرولتاریا و توده‌ها از انتخابات دست می‌کشند.

نیاز به سوسیالیسم و کمونیسم از بحران امپریالیسم، از مبارزات پرولتاریا و مردم جهان پدیدار می‌گردد. مبارزات پرولتری، قیام‌های مردمی، جوانان، زنان، مهاجران،

مهاجران برای حق پذیرش و حق پناهندگی، آزادی حرکت، حق کار، دستمزد، مسکن، و علیه کشتار در دریا و خشکه را تشدید نمایند؛

بر شورش توده‌های جوان برای سازماندهی آنها به عنوان خط مقدم مبارزه انقلابی علیه دولت بورژوازی تکیه کنند؛

برای آزادی زندانیان سیاسی و برادران طبقاتی ما که در زندان‌های امپریالیسم و رژیم‌های ارتجاعی محبوس شده‌اند، برزنند.

وحدت پرولتاریای جهانی، اتحاد پرولتاریای کشورهای امپریالیستی و مردمان تحت ستم جهان جوهر انترناسیونالیسم است.

انترناسیونالیسم مستلزم آن است که در هر کشور طبقه کارگر در حزب سیاسی مستقل خود، حزب کمونیست، امروزه حزب مارکسیست - لنینیست - مائوئیست، سازماندهی شود و احزاب کمونیست همه کشورها در یک کنفرانس واقعی بین‌المللی متحد شوند تا یک سازمان واحد بین‌المللی بسازند. سازمانی که دیدگاه و چشم انداز انترناسیونال نوین کمونیستی را دارا باشد.

کمونیست‌های مارکسیست - لنینیست - مائوئیست در حال پیشروی هستند، ضرورت است تا از تجارب، اشتباهات، از کاستی‌های تاریخی که آنها را از آمادگی برای شرایط تاریخی جدید باز داشته، درس بگیرند.

ما باید احزاب پرولتری و انقلابی واقعی، احزاب کمونیستی مارکسیست - لنینیست - مائوئیست، واحدهای آوانگارد (پیشرو) واقعی طبقه کارگر را بسازیم و تکامل دهیم. بسازیم که بتوانند استراتژی‌ها و تاکتیک‌های متناسب با کشورهای مختلف و در مراحل مختلف را مدیریت کنند. بتوانند از اشکال قانونی و غیرقانونی سازماندهی و مبارزه استفاده کنند، بتوانند از توده‌ها بیاموزند و از شر رویزیونیسم پوسیده، از اشکال کهنه و جدید [آن] رهایی یابند، بدون اینکه در دام افراط‌گرایی خرده بورژوازی عقیم، بازنده، ایده آلیست، سوپرکتیویست و میلیتاریستی بیافتند.

ما نیاز به ساختمان جبهه متحد ضد کاپیتالیسم، ضد فاشیستی و ضد امپریالیستی‌ای داریم که برای دستیابی

این برعهده کمونیست هاست که نمونه‌ای از اتحاد انترناسیونالیستی و مبارزات علیه تدارک یک قتل عام جدید جهانی امپریالیستی باشند؛ تلاش دراتحاد و هماهنگ کردن تمام کشورها برای ترویج مبارزه انقلابی ارتش‌های پرولتاریایی و توده‌های مردمی علیه استقرار نیروها و سلاح‌ها برای جنگ‌های امپریالیستی، جنگ‌های ارتجاعی و جنگ‌های ناعادلانه، باشند؛

در یک جبهه مشترک با همه نیروهای انقلابی، ضد امپریالیستی، دموکراتیک واقعی که مخالف جنگ [امپریالیستی] و حمایت نظامی رژیم‌های دست‌نشانده از اربابان امپریالیست خود در سراسر جهان، به ویژه در کشورهای نیمه مستعمره - نیمه فئودالی هستند، ایستادگی کنند؛

نیروهای سوسیال دموکراتیک ریفرمیست و اپورتونیست که گاه به نام پرولتاریا و مردم از یکی از جناح‌های امپریالیستی که همگی دشمنان مرگبار مظلومان و استثمارشدگان جهان هستند، حمایت می‌کنند، را افشاء و طردشان نمایند؛

مبارزه طبقاتی، تقویت ابزار مقاومت و دفاع از کارگران، اتحادیه‌های صنفی واقعی، یعنی آنهایی که مبارزات کارگری را در کارخانه‌ها، در سکتورهای بالاترین [سطح] استثمار، در واقعیت‌های جدید کار مزدی سازمان می‌دهند، تشدید نمایند؛

از مبارزات عظیم توده‌های دهاقین که برای (زمین از آن کسی که روی آن کار می‌کند) مبارزه می‌کنند، حمایت نمایند.

جنبش مردمی زنان و فمینیسم انقلابی پرولتری علیه تبعیض، نابرابری، زن‌کشی و تجاوز جنسی، انکار حق سقط جنین، ستم مضاعف قرون وسطی مدرن در کشورهای امپریالیستی و بندگی فئودالی در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم را توسعه بخشند؛

مبارزه ستیزه جویانه و سازماندهی به ویژه در کشورهای امپریالیستی را علیه فاشیسم و نژادپرستی [و] مبارزه

به رهبری واقعی توده های وسیع و سود بردن از تضادهای ذات البینی دشمنان طبقاتی، با توجه به شرایط موجود در کشورهای مختلف، ضروری است.

ما باید نیروی جنگنده‌ای را بوجود آوریم، که ارتش پرولتاریا را بسازد، بتواند جنگ طبقاتی، جنگ انقلابی، جنگ طولانی مدت خلق را تکامل دهد.

مرگ بر امپریالیزم! بیایید برای سوسیالیزم و کمونیزم برزمیم!

زنده باد مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم!

زنده باد انترناسیونالیزم پرولتری!

اول ماه می ۲۰۲۳ م.

امضاء کنندگان:

۱. اتحادیه کارگران کمونیست (م ل م) کلمبیا
۲. کمیته ساختمان حزب کمونیست مائوئیست گالیسیه
۳. حزب مائوئیست کمونیست - ایتالیا
۴. حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان
۵. حزب کمونیست هند (مائوئیست)
۶. حزب کمونیست نپال (اکثریت)
۷. حزب کمونیست نپال (مائوئیست های انقلابی)
۸. گروه مائوئیستی راه سرخ ایران
۹. حزب پرولتاریای پوربابنگلا - بنگلادیش
۱۰. حزب کمونیست ترکیه - مارکسیست لنینست (TKP-ML)
۱۱. حزب کارگران و دهقانان بلغارستان
۱۲. اتحادیه انقلابی مائوئیست - سریلانکا
۱۳. مائوئیست های روسیه
۱۴. حزب کمونیست سوئیس
۱۵. اتحادیه کمونیست های جوان - سوئیس

سایر امضاها می توانند در روزهای آینده علاوه گردند: ایمیل آدرس ارتباطی برای پیوستن به امضاء:

ICSPWI csgpindia@gmail.com

maoistroad@gmail.com

اعلامیه ذیل که توسط حزب کمونیست هند (مائوئیست) به رشته تحریر در آمده است، ضمیمه اعلامیه مشترک احزاب و سازمان های مارکسیست - لنینیست - مائوئیست همزمان انتشار یافته است و تمامی احزاب امضاء کننده اعلامیه مشترک اول می امسال (۲۰۲۳ م) تایید کننده و امضاء کنندگان اعلامیه حزب کمونیست هند (مائوئیست) نیز می باشند.



حزب کمونیست هند (مائوئیست)

زنده باد روز جهانی پرولتری روز می

بیاید پرولتاریایی را که زندگی شان در شرایط رکود در سراسر جهان بی ثبات می شود، تحکیم کنیم!

بیاید به مبارزه با تهدید جنگ امپریالیستی برخیزیم!

بیاید مبارزات ضد امپریالیستی را شدت بخشیم!



کارگر در بسیاری از کشورهای جهان به پیروزی رسید و اردوگاه سوسیالیستی را تشکیل داد. پرچم های سرخ بر فراز یک ششم کشورهای جهان به فراز در آمد.

اما این موفقیت ها مدت زیادی دوام نیاورد. طبقه کارگری که قدرت سیاسی و همچنین دیکتاتوری های دموکراتیک خلق را در دست داشت، شکست خوردند. رویزیونیست ها در احزاب انقلابی و در دولت های طبقه کارگر قوی شدند و قدرت را به تصرف خود درآوردند. این برای طبقه ی کارگر شکست بود.

اردوگاه سوسیالیستی جهان با ظهور سوسیال امپریالیزم شوروی ابتدا در اتحاد جماهیر شوروی و پس از آن که چین به عنوان یک کشور سوسیال امپریالیستی جدید در تاریخ تبدیل شد، پایان یافت. با وجود آن، جنبش های

کارگران گرامی جهان!

دو آموزگار بزرگ ما مارکس و انگلس گفتند: «کارگران جهان متحد شوید، طبقه ی کارگر چیزی برای از دست دادن ندارد، جز زنجیر بردگی که بر دست و پایش گره خورده است.»

[روز] اول ماه می روز طبقه کارگر جهانی است. روزی که کارگران آمریکا مبارزات قهرمانانه ای برای حقوق واقعی خود پیش بردند و به آن دست یافتند. در ۱۳۷ سال گذشته، طبقه ی کارگر جهان این روز را با عزم بسیار و با شور و شوق انقلابی جشن می گیرند. طبقه کارگر مبارزات بسیار ستیزه جویانه ای را علیه سرکوب حقوق خود و رسیدن به خواسته های عادلانه خود انجام می دهند.

به مناسبت روز جهانی می، روز پرولتاریا، بیاید بهترین درود سرخ خود را به طبقه کارگر جهان و به کسانی که جان های گران بهای خود را در راه کمونیزم جهانی فدا کردند، برسانیم.

قرن گذشته قرن موفقیت های انقلاب های پرولتری بود. به غیر از انقلاب های روسیه و چین، انقلاب های طبقه

طبقه کارگر هنوز در سراسر جهان ادامه دارد. مبارزات توده ای ضد امپریالیستی نیز در سراسر جهان تشدید می شود.

از سوی دیگر، احزاب مائوئیست جدید در کشورهای مختلف جهان در حال ظهور هستند. این به یک روند روز تبدیل شده است. برای شکستن این مبارزات و روند نوین، رویزیونیست ها و نئورویزیونیست هایی که با طبقه ی بورژوازی تباری کرده اند، خطر اصلی برای آن هستند. طبقه کارگر بدون افشای آنها و بدون شکست دسیسه های آنها نمی تواند مبارزات خود را در جهت تصاحب قدرت سیاسی پیش ببرد. ما بسیار مطمئن هستیم که به مناسبت روز اول ماه می، بخش پیشرفته پرولتاریای انقلابی همه کشورها خطر آن را تشخیص داده و طبقه کارگر را برای استفاده بهتر از شرایط انقلابی کنونی برای تشدید مبارزات طبقه کارگر آگاه خواهند کرد.

رفقای پرولتری عزیز،

در چند سال گذشته، جنبش طبقه کارگر در سراسر جهان سال به سال شتاب بیشتری می گیرد. دنیای امروزی در شرایط رکود شدید گرفتار شده است و زندگی کارگران همه کشورها بسیار فلاکت بار می شود. اکنون بار دیگر سقوط بانک ها آغاز شده است. سومین بانک بزرگ آمریکا، بانک سیلیکون ولی (کالیفرنیا)، به دلیل سقوط عظیم ارزش سهام سقوط کرد. فروپاشی بانک ها دوباره اقتصادهای سراسر جهان را نابود و بی ثبات خواهد کرد.

از سوی دیگر، طی سه سال گذشته، همه گیری کووید-۱۹ که به وسیله امپریالیست ها ایجاد شده است، باعث بی ثباتی همه مردم از جمله طبقه ی کارگر شده است. هنوز دنیا از انواع مختلف کووید رنج می برد. به نام واکسن، امپریالیست ها توده های زحمتکش را غارت کردند، اما هیچ یک از واکسن ها نتوانستند اپیدمی را به طور کامل ریشه کن کنند. در زمان کووید، زندگی کارگران

فقیر تا حد زیادی توسط سیاست های قرنطینه اعمال شده توسط دولت ها ویران شد. دولت های استثمارگر در سراسر جهان برای نجات شرکت های بزرگ در دوران رکود بسیار تلاش کردند. اما هیچ دولتی نگران رفاه توده های زحمتکش نبود. هیچ پلیس جامعی برای نجات فقرا و زحمتکشان ابداع نشد. بنابراین، اکنون که طبقه کارگر که ماهیت حيله گری دولت ها را شناسایی کرده است، زمانی مناسب است برای اینکه مبارزه با آن را تشدید کند.

جهان در شعله های جنگی می سوزد که از سال گذشته توسط امپریالیست ها شعله ور شد. از یک سو روسیه امپریالیست و از سوی دیگر امپریالیست های آمریکا و ائتلاف ناتوی آن به طرز فاجعه باری سرزمین اوکراین را به آتش جنگ می سوزانند.

روسیه امپریالیستی که به نام عملیات نظامی ویژه، جنگی را به اوکراین تحمیل کرد، محکوم است و این که آمریکا و متحدانش جنگ افروزان ناتو، سیاست های جنگی فاجعه باری را که منجر به نتایج مخرب می شود، اجرا می کنند، محکوم هستند.

با پیامدهای جنگ، مردم هر دو کشور با مشکلات جدی روبرو هستند. تاکنون گزارش هایی مبنی بر کشته شدن بیش از یک و نیم لک (۱۵۰ هزار) نفر در اوکراین وجود دارد. میلیون ها نفر آواره و به عنوان پناهنده مهاجرت کرده اند. خون سربازان و مردم مزارع اوکراین را آبیاری می کند. اما زلنسکی نئونازی نه تنها حتی برای گفتگو آماده نمی شود، بلکه ارتش و مردم خود را به جنگ با روسیه نئو تزاری با کمک ایالات متحده و ائتلاف ناتو تشویق می کند.

در این جنگ کاملاً واضح است که شرکت های نظامی و امپریالیست های ایالات متحده عمدتاً سودهای هنگفتی به دست می آورند. درین جنگ یک سال گذشته، امپریالیست های آمریکا به تنهایی بیش از ۳۰

میلیارد دالر مواد جنگی را به نام کمک به اوکراین تحویل داده اند که نشان دهنده میزان سود آن است.

و تثبیت می کنند. آنها با خواسته های عادلانه خود به جاده ها می آیند.

طبقه کارگر جهان صدای خود را برای توقف فوری این جنگ بلند می کند. تظاهرات مردمی علیه جنگ در بسیاری از کشورهای جهان ادامه دارد. آنها باید صدای خود را در برابر جنگ جاری افزایش دهند. در این راستا، مناسبت روز اول ماه می، زمان تصمیم گیری قاطعانه طبقه کارگر همه کشورهاست. اوج گیری جنبش های طبقه کارگر در سراسر جهان وجود دارد. در همین حال، میلیون ها کارگر در بریتانیا به اعتصاب دست می زنند - امری که هرگز در دهه گذشته نبوده است - و خواهان افزایش دستمزدها و کاهش قیمت های کالاها ی اساسی می شوند. طبقه کارگر فرانسه برای خواسته های خود با حضور در خیابان ها مبارزه می کند. کارگران همه کشورهای اروپا و آمریکا برای رسیدن به خواسته های عادلانه خود در تلاش هستند.

برای رهبری این مبارزات به احزاب انقلابی طبقه کارگر نیاز است. زمان آن فرا رسیده است که طبقه کارگر در اشکال مناسب مبارزه و ساختارهای سازماندهی تثبیت شود.

تمام مبارزات ستیزه جویانه باید برای تصرف قدرت سیاسی صورت گیرد. اگر این کار انجام نشود، طبقه کارگر تبدیل به قربانی سیاست های رویزیونیستی خواهد شد که به افزایش چهار دالری دستمزدها راضی شده و برای دهه ها دچار اکونومیسم و ریفورمیسم می گردد. به همین دلیل به مناسبت اول ماه می با گرفتن درفش سرخ سوگند یاد می کنیم که این کار را نکنیم.

به نظر نمی رسد که جنگ اوکراین که توسط امپریالیست ها تحریک شده است متوقف شود. آنها تهدید یک جنگ جهانی را تشدید می کنند. خطر جنگ هسته ای نیز در حال افزایش است..

در هند نیز همه انواع کارمندان دولت برای تحقق خواست های خود به اعتصاب متوسل می شوند. به طور عمده هزاران کارگر قراردادی، کارگران آنگانوادی، کارگران آشا و کارکنان صحت دست به اعتصاب می زنند تا دستمزدهای خود را افزایش دهند و با کارمندان دولت برابر کنند و آنها را استخدام دائمی نمایند. میلیون ها دهقان هندی نیز به شیوه ای بی سابقه در حال مبارزه هستند.

اوکراین تنها کشوری در جهان نیست که طعمه جنگ امپریالیستی شده است. صدها هزار نفر در یمن می میرند. در بسیاری از کشورها، میلیون ها نفر برای منافع جنگ های امپریالیستی تبدیل به قربانی می شوند. جهان به دلیل سیاست های امپریالیستی که همه چیز را در خدمت منافع خود قرار می دهد آشفته تر می شود.

در آسیای جنوبی عمدتاً سریلانکا و پاکستان در بحران اقتصادی فرو رفته و مردم فقیر و زیرستم از افزایش قیمت ها دچار مشکل شده اند. در کشورهای آفریقا و آمریکای لاتین نیز توده های زحمتکش برای خواسته های عادلانه خود می جنگند. امروز جهان در اعتصابات طبقه ی کارگر می سوزد.

به دلیل سیاست های امپریالیستی، بحران محیط زیستی در حال افزایش است. جنگ های امپریالیستی یکی از دلایل اصلی افزایش رنج طبقه کارگر است. علت اصلی بحران امروز نیز همین است. تنها امپریالیسم دلیل نقض حقوق طبقه کارگر و همچنین قتل عام در سراسر جهان است.

از سوی دیگر، دفاع کارگران از مشاغل خود به پدیده ای در جهان تبدیل شده است. شهرک های کارگری متعلق به شرکت های بزرگ نیروی کار را به تعداد زیاد گرد آورده

جنگ هایی که توسط امپریالیست ایالات متحده به شکل منفرد رهبری شده است، پس از تبدیل شدن به کشوری

که میلیون‌ها نفر را در سراسر جهان کشته، به بالاتر از ۳۰۰ جنگ در تاریخ میرسد. این کشور می‌خواهد نیاز پایان ناپذیرش به تسلط طلبی بر جهان را برآورده کند و به سودهای کلان دست یابد.

امپریالیزم آمریکا هرگز در تخریب جهان تردید نکرده است. هر گامی که ایالات متحده برداشته است، به شکلی به جنگی ویرانگر در جایی در جهان منجر شده است. امپریالیست‌های آمریکا و متحد سنتی آن اروپا از یک سو و امپریالیست‌های روسیه و چین از سوی دیگر بسیار حریص هستند که جهان را دوباره تقسیم کنند. در نتیجه، تمام جهان از جنگ ویرانگر، بحران، رکود، گرسنگی، فقر، ظلم، بیکاری و افزایش قیمت کالاهای اساسی و مورد نیاز توده‌ها رنج می‌برد.

بیاید برای ایجاد جهانی که عاری از [چنین] جنگ باشد تلاش کنیم. اما این بدون پایان دادن به امپریالیزم ممکن نیست. پس بیاید مبارزات ستیزه جویانه ضد امپریالیستی را بیشتر تشدید کنیم. بیاید آن را به سیاست انقلابی مجهز کنیم تا از وسوسه‌های اکونومیزم و ریفورمیسم و انواع رویزیونیست‌ها محافظت نماییم.

در برخی از کشورهای جهان، به ویژه کشور امپریالیستی ایالات متحده و کشورهای متحد اروپایی آن، احزاب جناح راست در حال ترویج نژادپرستی هستند. خطر فاشیسم در بسیاری از کشورها در حال افزایش است.

در ۱۰ سال گذشته، نیروهای هندوتوا در هند در قدرت هستند و سیاست‌های فاشیستی خود را اجرا می‌کنند. برای از بین بردن چنین تنوع در کشور، سیاست‌های ارتجاعی خود را بر مردم کشورشان تحمیل می‌کنند. آنها سال ۲۰۲۴ را به عنوان آخرین تاریخ برای از بین بردن کامل جنگ خلق که بیش از پنج دهه گذشته در کشور در جریان است، اعلام کرده‌اند. مناطق جنبش مائوئیست با حملات طیارات بدون سرنشین، شلیک هلیکوپتر و استقرار هزاران پولیس و نیروهای شبه نظامی سرکوب می‌شوند.

برای پایان دادن به جنبش انقلابی چند دهه ای فیلپین، دولت جونیور مارکوس سرکوب را با کمک امپریالیست‌های آمریکایی به شیوه ای بی سابقه افزایش می‌دهد. طبقات حاکم کمپرادور دولت‌ها برای توقف جنگ‌های خلق جاری در ترکیه، پرو و برخی دیگر از کشورها با هدایت و کمک امپریالیست‌ها حملات خود را تشدید می‌کنند. فلسطین و جنبش‌های مختلف ملی نیز دهه‌هاست که در حال سرکوب شدن هستند. اما مبارزات آنها کماکان ادامه دارد.

بیاید در کنار توده‌های استثمارشده و ستم‌دیده ای که جنگ‌های خلق و جنبش‌های انقلابی ملی را در کشورهای خود ادامه می‌دهند و با امپریالیست‌ها و فئودالیزم و سرمایه داران بوروکرات - کمپرادورها می‌ستیزند، محکم بایستیم. این وظیفه پرولتاریاست.

به مناسبت روز اول ماه می، طبقه کارگر باید سوگند یاد کند که مبارزات انقلابی جاری در کشورهای مربوطه خود را تحکیم کند و جنبش‌های برادرانه متقابل را افزایش دهد. هر قدم طبقه کارگر باید در جهت سیاست انقلابی تصرف قدرت سیاسی پیش برود.

اول ماه می باید به عنوان روز مبارزه توسط طبقه کارگر جشن گرفته شود تا مبارزات خود را در جهت پایان دادن به امپریالیزم در جهان تشدید کند.

-- زنده باد طبقه پرولتاریا - زنده باد اول ماه می

-- مرگ بر رویزیونیزم و نئو رویزیونیزم

-- مرگ بر امپریالیزم

-- بیاید در برابر خطر جنگ جهانی / جنگ اتمی برزمیم

-- بیاید قاطعانه در حمایت از جنگ‌های خلق جاری

بایستیم و جنبش‌های همبستگی نیرومندی در پشتیبانی

از آن بسازیم.

امضاء کنندگان اعلامیه حزب کمونیست هند (مائوئیست) :

۱. اتحادیه کارگران کمونیست (م ل م) کلمبیا
۲. کمیته ساختمان حزب کمونیست مائوئیست گالیسیه
۳. حزب مائوئیست کمونیست - ایتالیا
۴. حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان
۵. حزب کمونیست هند (مائوئیست)
۶. حزب کمونیست نپال (اکثریت)
۷. حزب کمونیست نپال (مائوئیست های انقلابی)
۸. گروه مائوئیستی راه سرخ ایران
۹. حزب پرولتاریای پوربابنگلا - بنگلادیش
۱۰. حزب کمونیست ترکیه - مارکسیست لنینیست (TKP-ML)
۱۱. حزب کارگران و دهقانان بلغارستان
۱۲. اتحادیه انقلابی مائوئیست - سریلانکا
۱۳. مائوئیست های روسیه
۱۴. حزب کمونیست سوئیس
۱۵. اتحادیه کمونیست های جوان - سوئیس

تصاویر برگزیده از تظاهرات های اول ماه می ۲۰۲۳ م.

در مناطق مختلف جهان که توسط رفقای حزب مائوئیست کمونیست ایتالیا در وبسایت راه مائوئیزم به نشر رسیده است.



کشور هندوستان



کشور ایتالیا



کشور بنگلادیش



کشور کلمبیا



کشور کلمبیا - شهر بوگوتا



کشور آلمان - شهر هامبورگ



کشور اکوادور



کشور فرانسه



کشور یونان



کشور فنلاند - شهر هلسینگی



کشور ایرلند



کشور سوئیس - شهر زنو



کشور آلمان - شهر لایپزیک



کشور ناروی



کشور پاکستان



کشور سریلانکا



کشور اورگوئه



کشور سوئیس



کشور سوئڈن



کشور فیلیپین



کشور اتریش



کشور اسپانیا - شهر الباسته

संसारका मजदूरहरू एक हौं !

नेपाल कम्युनिस्ट पार्टी (क्रान्तिकारी माओवादी)
Communist Party of Nepal (Revolutionary Maoist)

माक्सवाद-लेनिनवाद-माओवाद जिन्दावाद !

पत्र संख्या/Serial No. :-
चलानी नं./Regd. No. :-

بیانیه مطبوعاتی

حزب کمونیست نیپال (مائوئیست های انقلابی)

ترجمه کمیته روابط بین المللی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان:

همچنین مردم نیپال آموزش های جنگ خلق را تحت حمایت ارتش آزادی بخش خلق نیپال به رهبری حزب کمونیست سابق نیپال (مائوئیست) دارند. نیپال هنوز از شرایط اجتماعی-اقتصادی نیمه فئودالی و نیمه نئواستعماری رها نشده است. رویای مردم نیپال برای تکمیل انقلاب دموکراتیک نوین و راه گشائی به سوی سوسیالیسم علمی و کمونیسم هنوز متحقق نشده است. همچنین، استثمار، سرکوب و ظلم کمپرادور و سرمایه داری بوروکراتیک، فئودالیسم، امپریالیسم و توسعه طلبی هند وحشتناک تر می شود و رویزیونیسم جناح راست خطر اصلی برای جنبش کمونیستی نیپال محسوب می گردد.

پس از احیای به اصطلاح دموکراسی در نیپال، تعداد کمونیست های رویزیونیست در پارلمان نیپال همچنان قابل توجه است. گاهی اوقات، کمونیست های پارلمانی حتی دولت را با اکثریت دو سوم آراء تشکیل می دهند. اما کنایه و استهزاء از آن است که در مقیاس بزرگ هر حرکت ضد ملی و فعالیت های ضد مردمی تحت رهبری و به کمک «کمونیست ها» صورت گرفته است. با اعلامیه تفسیری مضحک مرکز مائوئیستی، ابتکار کنگره نیپال و با مشارکت فعال سایر احزاب، از جمله حزب کمونیست متحده مارکسیست - لنینیست، پارلمان نیپال توافق ضد

امروز، نهم بایسرخ، ۲۰۸۰، [تاریخ هندوئیسم] برابر است با ۲۲ اپریل ۲۰۲۳، یک روز مهم تاریخی است. درست ۷۳ سال پیش از این، حزب کمونیست نیپال به رهبری رفیق «پوشپالال» تأسیس شد. امروز همچنین روز تولد لنین، رهبر کبیر پرولتاریای جهان است. بنابراین، این روز یک ویژگی خاص دارد، اهمیت این روز تاریخی نه تنها از نقطه نظر تأسیس حزب کمونیست در نیپال بلکه همچنین از نظر جنبش کمونیستی بین المللی مطرح است. درین روز بزرگ تاریخی و مهم، کمیته مرکزی به تمامی جانباختگان [کمونیستی] ادای احترام می کند و به همه رده های حزبی، رزمندگان مجروح و مفقودالثر، خانواده جانباختگان، مردمان انقلابی، احزاب و سازمان های بین المللی برادر و پرولتاریا تبریک عرض نموده و آرزوی موفقیت دارد.

امروز جنبش کمونیستی نیپال که ۷۳ سال از تأسیس خود را به پایان رسانیده وارد ۷۴-مین سال می شود. این جنبش در طی این دوره [۷۴ ساله]، با دگرگونی های انقلابی، مبارزات تند دو خط و به موقع خویش، وحدت تازه بر مبنای جدید، شورش علیه رویزیونیسم و در برخی موارد شکاف های نابالغ، به اینجا رسیده است. در این میان جنبش های مردمی، شورش جاپا [یکی از ولسوالی شرق نیپال]، جنگ خلق و انواع مختلف مبارزات توده یی تحت رهبری حزب کمونیست به راه افتاده است.

ملی مانند (ام - سی - سی) «شرکت چالش هزاره»
The Millennium Challenge Corporation (MCC) [27 February 2022]

را با رای قاطع تصویب کرد. اما، نه کنگره نپال به تنهایی، نه هیچ کدام دولت‌هایی که تحت رهبری حزب «کمونیست» تشکیل شده‌اند، هنوز حتی یک کلمه علیه تجاوز عریان هند به مناطق لیمپیادورا، لیپولک و کالاپانی صحبت نکرده‌اند. کشور مشمول و وابسته به امپریالیسم و توسعه طلبی است. حقوق دموکراتیک محدودی که مردم دارند از جنگ خلق، از جنبش توده‌یی و مبارزات مختلف مردمی به دست آمده است. بیکاری در کشور بیداد می‌کند، قیمت‌ها سر به فلک کشیده و بحران اقتصادی تشدید شده است. اقتصاد نپال که وابسته به مالیات حواله جات، واردات و مصرف است، به جایی رسیده است که حتی برای تامین هزینه‌های معمول به قرض ضرورت دارد. سیاست اقتصاد نئولیبرال دلیل اصلی وقوع این وضعیت است و به اصطلاح کمونیست‌ها از آن حمایت می‌کنند.

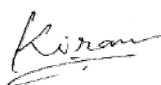
فساد از مرزها عبور کرده است. وزرا و کارمندان عالی رتبه دولت تشکیل شده تحت رهبری حزب به اصطلاح کمونیست در خط مقدم این امر قرار دارند. همه این‌ها نشان می‌دهد که وضعیت کشور چگونه وخیم است.

در نپال، ارزش‌ها و هنجارهای حزب در احزاب به اصطلاح کمونیست نسبت به احزاب بورژوازی بیش از پیش به شدت کاهش یافته است. هیچ حزب و رهبری به ایدئولوژی، سیاست، کشور و مردم، توجه ندارد و فقط یک چوکی قدرت کاذب جلوی چشمانشان قرار دارد. سه مرکز قدرت سیستم پارلمانی، قوه مجریه، قضائیه و مقننه همه در هم ریخته‌اند. یک شهردار یکی از شهرهای بزرگ دستورالعمل دولت فدرال را به چالش می‌کشد، اما دولت نمی‌تواند کاری انجام دهد. آیا این فقط نتیجه بی‌کفایتی یا هرج و مرج یک فرد خاص است؟ خیر، مشکل رهبر خاص نیست یا فقط حزب خاص؛ همچنین

فقط مشکل سیستم پارلمانی هم نیست، بلکه مشکل ناشی از شکست نظام جهانی امپریالیستی مبتنی بر نئولیبرالیسم است.

سیستم پارلمانی نمی‌تواند مشکلات کشور را حل کند. راه حل این مشکل یک انقلاب دموکراتیک نوین تحت رهبری حزب کمونیست واقعی بر اساس مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم، است. نه تنها شرایط عینی برای انقلاب در نپال مساعد است، بلکه به یک ضرورت عینی تبدیل شده است. با توجه به این موضوع، ما تصمیم گرفته‌ایم که حزب خود و حزب کمونیست نپال (اکثریت) را متحد کنیم و اخیراً از طریق کمیته هماهنگی وحدت حزبی، گفتگوی وحدت با حزب کمونیست نپال (مشعل) نیز در جریان است.

ما به مناسبت روز تاریخی تأسیس حزب و روز لنین، صمیمانه از همه رهبران انقلابی، فعالان و توده‌های مردم تقاضا داریم تا به مبارزه‌سازش ناپذیر با رویزیونیسم جناح راست، که خطر اصلی برای جنبش کمونیستی نپال محسوب می‌گردد، بپردازند و اتحاد واقعی کمونیست‌های انقلابی را شکل دهند و از پراکندگی به نفع انقلاب و مردم جلوگیری به عمل آورده و انقلاب دموکراتیک نوین را به پیش هدایت کنند.



کیرن

منشی عمومی حزب کمونیست نپال

(مائوئیست‌های انقلابی)

۲۲ اپریل ۲۰۲۳ م.

संसारका मजदुर तथा उत्पीडित जनता एक हौ !

! जिन्दावाद - माओवाद - लेनिनवाद - मार्क्सवाद



क्रान्तिकारी कम्युनिस्ट पार्टी, नेपाल



Revolutionary Communist Party of Nepal

युक्ता महाधिवेशन आयोजक समिति

Unity Congress Organising Committee

पत्र संख्या / Serial No.

चलानी नं. / Regd. No.

حزب کمونیست انقلابی نیپال

کمیته سازماندهی کنگره وحدت

مانیفیست وحدت حزبی

ترجمه کمیته روابط بین المللی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان:

تغییر نبوده، بلکه یک راهنمای عمل زنده است که نمی توانست تغییرات سریع در شرایط زندگی اجتماعی را در خود منعکس نسازد.

این وحدت ما بر اساس اصولیت مارکسیزم-لنینیسم-مائوئیسم است. در مورد وحدت حزبی و حزب سازی، لنین به ما دستور داده است:

« مارکس به سران حزب نوشت: اگر باید که متحد شوید پس برای تحقق اهداف عملی جنبش توافق کنید، اما اجازه هیچگونه چانه زنی بر سر اصول ندهید و «امتیاز» تئوریک اعطا نکنید. نظر مارکس این چنین بود.»

ما کاملاً با هدف به انجام رساندن انقلاب موافقیم و در عین حال بر سنتزی که لنین به آن دست یافته است ثابت قدم هستیم، و متعهد هستیم که هیچ گونه سازش و «تخفیفی» در مورد مسائل اصلی مانند مارکسیزم-لنینیسم-مائوئیسم، خط انقلابی - برنامه کلی دموکراسی نوین و برنامه اساسی سوسیالیسم علمی و کمونیسم - استفاده از نیروی انقلابی، انترناسیونالیسم پرولتری، تئوری سازمانی سانترالیسم دموکراتیک، تأسیس جمهوری خلق فدرال نیپال، انقلاب بزرگ فرهنگی پرولتری تحت دیکتاتوری پرولتاریا و پایان دادن به نظام پارلمانی، نداشته باشیم. ما اعلام می کنیم که وحدت این حزب پس از دستیابی به توافق نظر در مورد مسائل اساسی فوق حاصل شده است.

برای محافظت از اصالت م ل م، باید آن را مطابق با مکان،

امروز در یک مناسبت تاریخی، اول ماه می، با خبرهای خوب در اینجا حضور داریم. خبر خوب این است که حزب کمونیست انقلابی نیپال در بحبوحه مذاکرات و نشست های بین حزب کمونیست نیپال (مائوئیست انقلابی) و حزب کمونیست نیپال (اکثریت) و تحولی که از طریق بحث های درون حزبی وحدت رخ داده است، تشکیل شده است. ۱۳۴- مین می [اولین می ۱۸۸۹ م.] در نیپال اهمیت ویژه ای دارد. رهایی کارگران و طبقات ستم دیده بدون حزب کمونیستی که از افراد مجهز به آگاهی عالی مارکسیزم-لنینیسم-مائوئیسم به عنوان پیشتازان خود، تربیت شده باشند، غیرممکن است. علاوه بر این، هیچ جنبش یا انقلابی بدون یک حزب کمونیست متحد که با چنین بینش جذب شده باشد، محقق نمی شود. در حالی که این جنبش [در نیپال] به شدت تحت تأثیر وحدت - مبارزه - انشعاب قرار گرفته بود، نمونه های متفاوتی از وحدت - مبارزه - دگرگونی در جنبش کمونیستی نیپال وجود دارد. بمناسبت این جشن بزرگ، ما متعهد هستیم که پروسه وحدت - مبارزه - دگرگونی را در حزب تحکیم کنیم.

برای دفاع از اصالت م ل م، باید آن را مطابق با مکان، زمان و اوضاع تکامل دهیم. در این زمینه، ما باید سنتز لنین را درک کنیم:

« تئوری مارکسیسم یک دکم بی جان نیست و هیچ نوع آموزش پایان یافته، آماده، یک دکترین کامل و غیر قابل

زمان و اوضاع تکامل دهیم. در این زمینه، [تاکیدا] ما باید سنتز لنین را درک کنیم:

«تئوری مارکسیسم یک دکم بی جان نیست و هیچ نوع آموزش پایان یافته، آماده، یک دکترین کامل و غیر قابل تغییر نبوده، بلکه یک راهنمای عمل زنده است که نمی‌توانست تغییرات سریع در شرایط زندگی اجتماعی را در خود منعکس نسازد.»

با راهنمایی این نتیجه‌گیری لنین، ما می‌خواهیم اعلام کنیم که باید مارکسیزم را تکامل دهیم تا تضادهای امروزی را حل کنیم. امروزه به دلیل پیشرفت علم و تکنالوجی، تغییرات ناگهانی در شرایط زندگی اجتماعی به وجود آمده است. م ل م تنها با در نظر گرفتن این تغییرات می‌تواند تکامل یابد. در این زمینه، مائو، مدافع مارکسیزم خلاق و مدافع اصالت مارکسیزم، چنین سنتز کرده است:

«ما باید لنینیزم را مطالعه کنیم و در به اهتزاز درآوردن درفش سرخ شجاعت به خرچ دهیم، هرچه سرخ تر بهتر. ما باید در دفاع از شنی جدید و ایجاد شنی متفاوت شجاع باشیم. دو نوع دفاع از شنی جدید و ایجاد شنی متفاوت وجود دارد: برافراشتن درفش سرخ مناسب است؛ برافراشتن پرچم سفید نادرست است.»

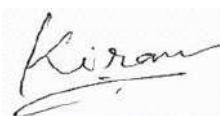
علیرغم اینکه فضا، زمان و وضعیت چین با روسیه متفاوت بود، مائو انقلاب را با دفاع از شنی جدید و ایجاد شنی متفاوت به انجام رساند.

حزب کمونیست انقلابی نپال متعهد به تطبیق م ل م با توجه به اوضاع نپال است و آن را به سمت تکامل از این وضعیت خاص سوق می‌دهد. در کشوری که شرایط اجتماعی - اقتصادی آن نیمه استعماری، نیمه فئودالی و عمدتاً نو استعماری است، بقایای فئودالیزم، سرمایه داری بوروکراتیک و کمپرادور و عمدتاً سرمایه داری کمپرادور دشمن اصلی است و کارگران، دهقانان، سربازان، و زاغه نشینان، از جمله بورژوازی ملی، نیروهای

دوست هستند، تضاد بین قدرت دولتی سرمایه داری بوروکراتیک و کمپرادور در یک قطب و کل مردم تحت ستم در قطب دیگر، تضاد عمده است. حزب ما متعهد به این واقعیت است که راه حل این تضاد یک سیستم علمی سوسیالیستی است که می‌توان از طریق یک انقلاب دموکراتیک نوین به آن دست یافت.

مشکلات استقلال ملی، دموکراسی و معیشت مردم در کشور تشدید شده است. با توافقاتی مانند «*» شرکت چالش هزاره (ام-سی-سی) و «**» برنامه مشارکت دولتی (اس-پی-پی)، تهدید حاکمیت ملی وحشتناک شده است. با دستگیری رهبران و کارگران سیاسی در پرونده های دروغین و زندانی کردن آنها، مشکل دموکراسی به اوج خود رسیده است. مشکلات معیشتی مردم به دلیل سودخواری مفرط تامین مالی کوچک، سود زیاد و تشکل های به اصطلاح تعاونی تحت حمایت بانک ها سر به فلک کشیده است. به جای حل این مشکلات، قدرت ایالتی، دولتی و نهادهای مرتبط در صدد سرکوب آشوبگران هستند. حزب ما متعهد به رهبری مبارزه برای حل نهایی مشکلات استقلال ملی، دموکراسی و معیشتی مردم است.

به همین مناسبت، ما از انقلابیون سردرگم احزاب رویزیونیست پارلمانی، گروه‌ها و شخصیت‌های پراکنده می‌خواهیم که متمرکز شده و در این روند وحدت تاریخی ادغام شوند. با این وحدت ما، یک مرکز فرماندهی قدرتمند انقلاب نپال ایجاد خواهد شد و انقلاب تحقق خواهد یافت.



کیرن

صدر کمیته مرکزی

حزب کمونیست انقلابی نپال

تاریخ: اول می ۲۰۲۳

----- پاورقی [مترجم]

* شرکت چالش هزاره (The Millennium Challenge Corporation (MCC) [۲۷ February ۲۰۲۲]: عبارت از کمک های بلاعوض محدودی است که این نوع سرمایه گذاری ها تحت عنوان کاهش فقر در کشورهای تحت سلطه به راه میافتد و همزمان منافع امریکا را نیز افزایش میدهد. از سال ۲۰۰۴ میلادی بدینسو ۱۹ کشور واجد شرایط دریافت کمک های آن گردیده اند که عبارتند از: ارمنستان، بنین، بولیوی، کیپ ورد، السالوادور، گرجستان، غنا، هندوراس، لسوتو، ماداگاسکار، مالی، مغولستان، مراکش، موزامبیک، نیکاراگوئه، سینیگال، سریلانکا، وانواتو و نپال.

** برنامه مشارکت ایالتی (The State Partnership Program (SPP) - یک برنامه مشارکت تبادل بین ایالات متحده آمریکا و یک کشور خارجی است. گارد ملی ایالات متحده و کشورهای شریک از طریق برنامه جهانی، آموزش نظامی در حمایت از اهداف مشترک، امنیت دفاعی انجام می دهند و از مبادلات دوجانبه در حوزه های نظامی، دولتی، اقتصادی و اجتماعی استفاده می کنند. (منبع: سفارت ایالات متحده آمریکا در نپال - لینک تفاهم نامه :

<https://np.usembassy.gov/state-partnership-program-factsheet/>

به حزب کمونیست انقلابی نیپال !

رفقای عزیز، دروذهای سرخ و انقلابی ما نثار تان باد !

برگزاری موفقیت آمیز کنگره وحدت کمونیستی (مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی) میان حزب کمونیست نیپال (مائوئیست های انقلابی) و حزب کمونیست نیپال (اکثریت) را که منجر به تشکیل " حزب کمونیست انقلابی نیپال " گردیده است را از صمیم قلب و با آرزوی بزرگ برای انقلاب نیپال تبریک و تهنیت عرض میداریم و اطمینان خاطر داریم که قلوب مائوئیست های جهان را مملو از شادی و نشاط خواهد کرد.

کنگره وحدت شما ثمره تلاش و مبارزه خستگی ناپذیر و صادقانه تان در راه ایجاد یک وحدت اصولی بر اساس م ل م و تعهد استوار تان برای تغییر انقلابی در وضعیت کنونی نیپال می باشد. حزب کمونیست نیپال دارای تاریخ پرافتخار مبارزات توده ای بخصوص جنگ ظفرمند خلق که از سال ۱۹۹۶ الی ۲۰۰۶ توسط حزب کمونیست نیپال (مائوئیست) به پیش برده شد، نه تنها تاریخ نیپال آن را به خط زرین ثبت خواهد نمود، بل که حزب کمونیست نیپال توانست بعنوان یکی از اعضای اصلی جنبش انقلابی انترناسیونالیستی عرض اندام نموده و تاثیرات مثبت بر روحیه کل انقلابیون جهان به جای بگذارد. ولی متأسفانه که طرح "راه پارچندا - باترای" باعث فروکش جنگ خلق در نیپال گردید و انرا به سمت رویزیونیسم و پارلمانتاریزم سوق داد و انشعابات بعدی که به بار آمد حزب کمونیست نیپال نتوانست خود را در طی ۱۷ سال گذشته دوباره بصورت یک حزب منسجم و اصولی درآورد.

ما خوشحال هستیم که پس از تلاش های فراوان، کمیته وحدت نیپال موفق گردیده است که حزب کمونیست نیپال (مائوئیست های انقلابی) و حزب کمونیست نیپال (اکثریت) را در یک حزب واحد (" حزب کمونیست انقلابی نیپال ") دوباره منسجم سازد. ما معتقدیم که حزب شما نقش مهمی در آمادگی برای کنفرانس بعدی احزاب و سازمان های مائوئیست جهان و احیاء دوباره جنبش انقلابی انترناسیونالیستی ایفاء خواهد نمود؛ بناء حزب ما روابط با حزب شما را تقویت خواهد بخشید و درین راستا برای غنای هرچه بیشتر طرح کنفرانس بین المللی احزاب و سازمان های مائوئیست جهان مشترکا کار خواهد کرد.

تشکیل حزب واحد "حزب کمونیست انقلابی نیپال" موفقیت بزرگی است برای حزب شما که توانسته مائوئیست های نیپال

را از سردرگمی ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی رهایی بخشد و آنان را دوباره حول محور خط اصولی مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی متمرکز گرداند و از طریق پافشاری روی مبارزه دو خط و آغاز دوباره جنگ خلق در نیپال، لریزه بر اندام قوی ترین دشمن پرولتاریا و خلق های جهان بیاندازد، و از طریق راه اندازی جنگ خلق در نیپال می تواند به انقلاب جهانی خدمت کند.

رفقا:

حزب ما از صمیم قلب موفقیت تانرا تبریک و تهنیت گفته و افتخار دارد که در پهلوی حزب کمونیست انقلابی نیپال و سایر احزاب و سازمان های مائوئیست جهان در آمادگی برای کنفرانس بین المللی و احیاء دوباره جنبش انقلابی انترناسیونالیستی (جاا) فعالانه کار نماید.

ما خواهان همبستگی روزافزون مبارزاتی میان حزب کمونیست انقلابی نیپال و حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و سایر اعضای شامل در پروسه کنفرانس بین المللی احزاب و سازمان های مائوئیست می باشیم.

زنده باد حزب کمونیست انقلابی نیپال !

دراختزار باد درفش سرخ جنگ خلق در نیپال !

سرنگون باد دولت ارتجاعی نیپال !

به پیش در راه تدویر کنفرانس بین المللی احزاب و

سازمان های م ل م در سطح جهان !

کمیته مرکزی

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

22 می 2023 م.

www.cmpa.io

sholajawid2@hotmail.com



«سازمان زنان کمونیست ترکیه»

کنگره موسس خود را با یک رویداد تاریخی جشن گرفتند!

ترجمه کمیته روابط بین المللی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان:

در این سخنرانی‌ها که در آن تاریخچه روند تأسیس «سازمان زنان کمونیست» از اولین کنفرانس برگزار شده توسط حزب کمونیست ترکیه (مارکسیست - لنینیست) تا اولین کنگره در سال ۲۰۱۹ تشریح گردید، در بخشی از آن گفته شد:

«حزب ما (حزب کمونیست ترکیه (مارکسیست - لنینیست) نظام پدرسالاری را به عنوان یکی از مشکلات اصلی مطرح کرده است و با آگاهی از این که مبارزه بر ضد نظام مردسالار جزء وظایف اصلی انقلاب ماست، در سال ۲۰۱۹ تصمیم گرفته شد که سازمان زنان ما را تأسیس کند تا قدرتی باشد که این وظایف را به پیش برده و به سرانجام مقصودش برساند.»

درین سخنرانی‌ها بیان گردید که:

«ما دوران عظیم و فشرده و سختی را می گذرانیم و

پس از اینکه «سازمان زنان کمونیست» حزب کمونیست ترکیه (مارکسیست - لنینیست) اعلام نمود که کنگره موسس خود را برگزار می نماید، در حالی که از یک سو پیام‌های تبریکی می آمد، از سوی دیگر مراسمی در خاورمیانه برگزار گردید. این رویداد که با شرکت بسیاری از زنان از ملیت‌های کرد، عرب و ارمنی برگزار شد، اولین رویداد جمعی بود که مستقیماً توسط «سازمان زنان کمونیست ترکیه» برگزار شد.

پس از سخنرانی افتتاحیه و یک دقیقه سکوت، سخنرانی‌هایی به زبان کردی و عربی از طرف «سازمان زنان کمونیست» انجام یافت. درین سخنرانی‌ها که از طرف «سازمان زنان کمونیست» ارائه گردید، در ابتدا چنین بیان گردید:

«با شور و هیجان از تدویر موفقانه کنگره موسس خود، به شما درود می فرستیم.»



همین فشارها دلیلی بر مقاومت و افزایش مبارزه است که مبارزات آزادی زنان و دگرباشان جنسی را در سراسر جهان سازماندهی و رهبری می نماید، به ویژه زنان خاورمیانه که علیه دیکتاتورهای مذهبی با شعار « زن ، زندگی، آزادی » به جاده ها آمدند و این شعار دیگر به شعار مشترک همه زنان مبارز برای آزادی تبدیل شده است. اکنون اقدام زنان دگرباشان جنسی (تراجنسیتی) در گوشه ای از جهان محدود باقی نمی ماند. این اقدام با واکنش جدی تمامی زنان و دگرباشان جنسی در سراسر جهان روبرو می باشد. حمله به زنان مبارز و دگرباشان جنسی و مقاومت در برابر این حملات فراتر از مرزهای کشورها بطور فزاینده ای رایج گردیده است.

پس از این سخنان، بیان شد که مبارزه با نظام مردسالار حاکم که دشمن مشترک همه زنان است باید مشترکا به پیش رود.

سخنرانی هایی که از طرف « سازمان زنان کمونیست » با عبارت : " ما وجود داشتیم، وجود داریم و وجود خواهیم داشت." به پایان رسید.

پس از سخنرانی ها، فیلمی از جنبش های در حال توسعه زنان در خاورمیانه و جهان و جانبختگان «سازمان زنان کمونیست ترکیه» به نمایش درآمد.

در مراسمی که شعار «زن، زندگی، آزادی» مکرر سر داده شد، موسیقی، گروه کر، فولکلور و در نهایت اجرای تئاتری درباره زندگی و مقاومت ریحانه کبری که در سال ۲۰۱۴ توسط رژیم آخندی ایران اعدام گردیده بود، به روی پرده به نمایش گذاشته شد.

این مراسم با علاقمندی، قدردانی و تعهد زنان کمونیست، رسماً به کار خود پایان داد.

ماه می - ۲۰۲۳ میلادی

لینک گزارش خبری ترکی در وبسایت حزب کمونیست ترکیه (مارکسیست - لنینیست) :

<https://www.tkpml.com/kkb-gerceklestirdigi-etkinlikle-kurulus-kongresini-kutladi/?swcfpc=1>

شکوه و افتخار به رفیق « آناند » از حزب کمونیست هند (مائوئیست)



ترجمه کمیته روابط بین المللی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان:

به تاریخ ۳۱ می ۲۰۲۳ میلادی، رهبر عزیز و محترم خود را از دست دادیم.

رفیق آناند به عمر ۶۹ سالگی بر اثر حمله قلبی درگذشت. وی عضو دفتر سیاسی ما بود. مشخصات انقلابی او بسیار قابل قدر است. زندگی انقلابی او بعنوان یک انقلابی حرفه ای از سال ۱۹۷۸ بعنوان یک سازمانده محلی آغاز یافت. در سال ۱۹۸۰ بعنوان مسئول ناحیه ارتقاء داده شد و در سال ۱۹۸۷ به جنگل دندا کرانیا رفته و مسئولیت آن واحد محلی را به عهده گرفت.

رفیق آناند در سال ۱۹۹۲ عضویت کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مائوئیست) را به دست آورد و مبارزات خود را در چوکات کمیته مرکزی حزب به خوبی به پیش برد، سپس در سال ۲۰۰۱ میلادی بعنوان عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست هند (مائوئیست) انتخاب گردید و تا آخرین روز عمر خود بعنوان عضو فعال دفتر سیاسی - کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مائوئیست) مبارزات خود را ادامه داد و دو سال متواتر منحیث سخنگوی کمیته مرکزی حزب ایفاء وظیفه نمود.

رفیق آناند رفیق کاملاً ایده آل و یک رفیق مبارز و روشنفکر خوب و بهترین نمونه و نظریه پرداز حزب ما بود. رفیق آناند منحیث سر دبیر نشریه حزبی "مجله سیاسی راهپیمائی توده ای" برای حزب ما فعالانه کار و پیکار می نمود، از دست دادن رفیق آناند درین مقطع حساس تاریخی ضایعه بزرگی برای حزب ما به شمار می رود.

کمیته مرکزی

حزب کمونیست هند (مائوئیست)

اول جون ۲۰۲۳ میلادی

بیانیه دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین

در مورد

قتل رهبران حزب، «بنیتو تیامزون» و «ویلما تیامزون» توسط خبرگزاری فرانسه



ترجمه کمیته روابط بین المللی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان:

دولت برای پنهان کردن جنایت خود و پاک کردن همه آثار و شواهد، طوفان گروه ضربت مشترک از خود داستانی از یک برخورد در میانه دریا را ایجاد کردند. در ساعات اولیه صبح ۲۲ آگوست ۲۰۲۲، اجساد انقلابیون مقتول قبل از اینکه در جایی بین کاتبالوگان و جزیره ترنگنان منفجر شود، داخل یک قایق انداخته و به وسط دریا کشیده شده اند. بر اساس گزارش ها تنها هشت جسد پیدا شده است.

چند روز بعد دفتر سیاسی و کمیته اجرایی تاییدیه دستگیری و کشتن کا لان و کا باگونگ تائو را دریافت نمود. طی هفته‌ها و ماه‌های بعد، تحقیقات کاملی برای کشف جزئیات این جنایت شنیع انجام شد.

مسئولین مستقیم و اصلی وحشیگری فاشیستی قتل عام کا بنیتو تیامزون، کا ویلما تیامزون و هشت انقلابیون دیگر را به شرح زیر می دانیم:

فردیناند مارکوس جونیور، فرمانده کل خبرگزاری فرانسه، جنرال بارتولوم باکارو، رئیس وقت، از کارکنان گروه ضربت، جنرال ادگاردو دی لئون، رئیس طوفان گروه ضربت و لشکر ۸ پیاده نظام، و برید جنرال مارسلینانو تئوفینو، رئیس سرویس اطلاعاتی خبرگزاری فرانسه.

ما همچنین ارتش ایالات متحده را مستقیماً در این

با خشم و انزجار شدید انقلابی علیه طبقات حاکم و قصابان فاشیست آنها، ما همه کادرها و اعضای حزب، همه مبارزان سرخ ارتش نوین خلق (NPA)، همه نیروهای انقلابی و کل مردم فیلیپین را از مرگ کا لان (بنیتو تیامزون) و کا باگونگ تائو (ویلما تیامزون)، رهبران برجسته و معتبر حزب کمونیست فیلیپین و کل جنبش انقلابی این کشور مطلع می کنیم.

کا لان و کا باگونگ تائو در ۲۱ آگست ۲۰۲۲ در حالی که سوار بر دو موتر بودند، و به سمت سواحل شهر کاتبالوگان حرکت می کردند، پس از دستگیری توسط هیولاهای فاشیست نیروهای مسلح فیلیپین (AFP) بین ساعت ۱۲ ظهر تا ۱۳:۰۰ بعد از ظهر در حالیکه بدون سلاح بودند، حتی با سلاح گرم کوچک، به طرز شنیع و وحشیانه ای به قتل رسیده اند.

آنها در مجموع ده نفر بودند که قبل از قتل، تحت ضرب و شتم و سایر اشکال شکنجه قرار گرفته اند. همراه با کا لان و کا باگونگ تائو، جوئل آرسئو (کا دیوینو، منشی فرعی در ویسایاس شرقی)، کا ین، کا جاجا، کا مت، کا اش، کا دلفین، کا لویه و کا بوتیک بودند. به گفته تیمی که تحقیقات را انجام داده است، ظاهراً صورت رفقا بر اثر اجسام سخت شکسته شده است. برخی شواهد آثار واضحی از جراحات گلوله را نشان می دهد.

جنایت از طریق گروه عملیات ویژه مشترک Trident، واحدی که مستقیماً توسط ایالات متحده فرماندهی، آموزش و مسلح می شود، مسئول می دانیم. مارکوس و هم قماشان آنها باید در دادگاه های مربوطه خلق محاکمه شوند.

قهرمانان واقعی مردم فیلیپین:

کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین، کا بنیتو تیامزون و کا ویلما تیامزون (زن و شوهر) را به عنوان جانباختگان و قهرمانان واقعی مردم فیلیپین اعلام می دارد. آنها تمام زندگی خود را وقف خدمت به توده های تحت ستم و استثمار کردند و تمام بدن و ذهن خود را برای پیشبرد آرمان های آزادی ملی و دموکراسی، سوسیالیسم و کمونیسم گذاشتند.

دفتر سیاسی و کل کمیته مرکزی از اعماق قلب همه انقلابیون فیلیپینی همدردی عمیق خود را با فرزندان و نواسه های کا لان و کا باگونگ تائو ابراز می کنند.

کا لان و کا باگونگ تائو استادان مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم و تئوری و عمل انقلاب فیلیپین بودند. آنها با هدایت رفیق خوزه ماریا سیسون، کمیته مرکزی و ارتش نوین خلق را در طول تقریباً سه دهه جنگ طولانی مدت خلق رهبری کردند.

کا لان و کا باگونگ تائو هر دو فرزندان خیزش انقلابی اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ بودند. کا لان در ۲۱ مارچ ۱۹۵۱ به دنیا آمد و در ماریکینا، مترو مانیل بزرگ شد. کا باگونگ تائو در ۲۱ دسامبر ۱۹۵۲ از شهر پاسیگ متولد شد. آنها هر دو دانش آموز لیسه خوزه ریزال بودند. آنها در همان زمان در اواخر دهه ۱۹۶۰ وارد دانشگاه فیلیپین شده و از جمله نویسندگان کالج فیلیپین گردیدند و به عضویت سازمان های ملی دموکراتیک جوانان درآمدند.

هر دوی آنها به عنوان سازمان دهندگان کارگران و دهقانان خدمت می کردند. قبل از انتصاب در ارگان های مرکزی حزب، هر دو تلاش هایی را برای پیشبرد جنبش های انقلابی در مناطق مختلف رهبری می نمودند. آنها از مانیل در سال ۱۹۷۴ به سبو منتقل شدند تا کار سازماندهی بین کارگران را انجام دهند. آنها در سال بعد برای انجام تحقیقات اجتماعی اولیه و تعمیق مبارزات

ضد فئودالی در کنار سایر وظایف به سامار انتقال یافتند. در سال ۱۹۷۶، کا لان به عنوان منشی منطقه ویسایاس شرقی خدمت کرد، در حالی که کا باگونگ تائو معاون بود. کا باگونگ تائو از جمله کسانی بود که در اوایل دهه ۱۹۸۰ رهبری نیروها در لوزون مرکزی را برعهده داشت که در آن زمان مبارزه مسلحانه و مبارزات گسترده توده ای کارگران و دهقانان علیه دیکتاتوری ایالات متحده-مارکوس بیداد می کرد. رهبری جنبش انقلابی کا لان در ویسایاس شرقی با مبارزات شدید ضد فئودالی و مقاومت مسلحانه مشخص شد.

کا لان و کا باگونگ تائو نقش های کلیدی در اجرای دومین جنبش بزرگ اصلاحی (SGRM) در سال های ۱۹۹۲-۱۹۹۸ ایفا کردند که موضع مارکسیست-لنینیست-مائوئیستی حزب و اصول اساسی و استراتژی و تاکتیک های به راه انداختن جنگ طولانی مدت خلق را تأیید نمودند. انقلاب دموکراتیک خلق را به پیش بردند. آنها دفاع از کمیته مرکزی حزب را عالی رهبری کردند و تلاش خائنان رویزیونیست را برای به بیراهه بردن یا تقسیم حزب ناکام گذاشتند. آنها به شیوه رهبری خود، حزب را از لبه انحلال بیرون کشیدند و انقلاب فیلیپین را به مسیر پیشرفت و رشد هدایت کردند.

در طول سه دهه، کا لان به عنوان رئیس کمیته اجرایی کمیته مرکزی در رهبری روزانه انقلاب فیلیپین خدمت کرد. کا باگونگ تائو به عنوان دبیر کل کمیته اجرایی کمیته مرکزی منطقه خدمت نمود. در کنگره دوم حزب در سال ۲۰۱۶، هر دو به کمیته مرکزی و ارگان های مرکزی حزب انتخاب شدند.

در طول دهه های گذشته، آنها مسئولیت های فردی خود را، حتی به عنوان شریک در انجام وظایف دشوار رهبری حزب انجام می دادند. آنها دوشادوش همدیگر کادرهای برجسته حزب در کمیته مرکزی، دفتر سیاسی و کمیته اجرایی، در خدمت به عنوان چراغ های انقلاب دموکراتیک خلق در فیلیپین کار و پیکار نمودند.

آنها پیش نویس اسناد کمیته مرکزی و کمیته اجرایی را رهبری کردند که تئوری های به راه انداختن انقلاب دموکراتیک خلق در فیلیپین را بیشتر غنا بخشیدند. یادداشت ها و دستورالعمل هایی که مفهوم جنگ طولانی مدت خلق و جنگ چریکی را بیشتر توضیح داد

و عمیق تر نمود. آنها خود را وقف کمک به کادرهای حزب کردند تا درک خود را از اصول جنگ خلق به شیوه ای همه جانبه و اهمیت حیاتی ترکیب سه جزء آن - مبارزه مسلحانه، انقلاب ارضی و ایجاد پایگاه توده ای - تقویت کنند.

نوشته‌های کا لان و کا باگونگ تائو اکنون بخشی از گنجینه غنی نظریه انقلابی انقلاب فیلیپین را تشکیل می‌دهند که نقش آن در غنی‌سازی مارکسیزم-لنینیسم-مائوئیسم است. اینها توسط کمیته مرکزی در یک یا چند کتاب جمع آوری خواهد شد تا به عنوان مرجع برای کادرهای حزب ارائه گردد.

کا لان و کا باگونگ تائو در سال ۲۰۱۴ دستگیر شدند و بیش از دو سال در زندان بودند. آنها در سال ۲۰۱۶ آزاد گردیدند تا در هیئت مذاکره کننده جبهه ملی دموکراتیک فیلیپین (NDFP) در مذاکرات صلح با رژیم دوترته خدمت نمایند. وقتی دوترته مذاکرات صلح را خاتمه داد و دستور دستگیری و کشتن شخصیت‌های جبهه ملی دموکراتیک فیلیپین، حزب و ارتش نوین خلق را داد، کا لان و کا باگونگ تائو بلافاصله به جبهه‌های چریکی رفتند.

دوترته از سال ۲۰۱۷ صدها میلیون پزو برای تعقیب مقر کا لان و کا باگونگ تائو و کمیته مرکزی هزینه نمود. رژیم بمباران هوایی و گلوله باران‌های توپخانه ای را انجام داد که باعث ویرانی فاحشی برای زندگی و معیشت توده های وسیع شد. هزاران نفر از نیروهای فاشیست در نقشه شیطانی دشمن مستقر شدند تا به زندگی کا لان و کا باگونگ تائو پایان دهند و سر حزب را از بین ببرند.

دشمن ممکن است موفق شده باشد کا لان و کا باگونگ تائو را به قتل برساند، اما آنها در هدف خود برای از بین بردن رهبری حزب ناامید شده اند. همانطور که وقتی درختان غول پیکر در جنگل می‌افتند، پرتوهای خورشید اکنون از آن عبور می‌کنند و به ستون‌های جدید حزب و ارتش نوین خلق گرما و نیرو می‌بخشند.

رهبری جمعی قوی کمیته مرکزی حزب:

مرگ رفقا بنیتو تیامزون و ویلما تیامزون و به دنبال آن درگذشت کا جوما در ۱۶ دسامبر ۲۰۲۲، بدون شک

ضایعه بزرگی برای حزب، به ویژه برای کمیته مرکزی است. همچنین نمی‌توان تاثیر سنگین مرگ یا مرگ سایر کادرهای برجسته حزب در سال‌های گذشته از جمله جولوس گیرون (کا نارس)، خورخه مادلوس (کا اوریس)، مناندرو ویلانئووا (کا بوک)، آنتونیو کاباناتان (کا مانلیباسوگ)، یوجنیا مگیانتای (کا فیل)، ماریانو آدلانو (کا پانوی) و دیگران را انکار کرد.

با این حال، در دوره رهبری حزب و انقلاب فیلیپین، هزاران کادر و انقلابی تربیت کردند که اکنون آماده اند تا جای خالی خود را پر کنند و وظایف و مسئولیت‌های سنگین را بر عهده بگیرند. ممکن است برخی رفته باشند، اما تعداد بسیار بیشتری از کادرها و رهبران به جای آنها هستند که مصمم به رشد در میان چالش‌های بزرگ می‌باشند.

رهبری دفتر سیاسی، کمیته مرکزی و دیگر ارگان‌های رهبری حزب به سرعت بازسازی و احیا شدند. بلافاصله کادرهای جایگزین منصوب شدند و اکنون در حال انجام کارهای روزمره و وظایف رهبری هستند. آنها بدون ترس چالش‌های رهبری را پذیرفته اند. کمیته مرکزی به تقویت کار خود برای هدایت کمیته‌ها و کادرهای رهبری در کمیته‌های منطقه ای و سایر ارگان‌های مرکزی خود ادامه می‌دهد. کمیته مرکزی تلاش همه جانبه ای را برای تقویت ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی حزب به کار می‌گیرد.

به ابتکار دفتر سیاسی و کمیته مرکزی، کادرهای حزب در تمام سطوح رهبری به طور جمعی تلاش‌های همه جانبه ای را برای بالا بردن دانش تئوریک و عملی خود در مورد مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم، اصول اساسی ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی حزب، استراتژی و تاکتیک‌های به راه انداختن انقلاب دموکراتیک خلق از طریق جنگ طولانی مدت خلق انجام می‌دهند.

کادرهای حزبی تلاش‌ها را برای جمع بندی تجربیات، غلبه بر نقاط ضعف و اصلاح خطاها، رهبری می‌کنند. آنها مصمم هستند که مطابق با ایدئولوژی پرولتاریا خودسازی را انجام دهند، از ایده‌های نادرست محافظت کنند و آنها را نفی کنند، سبک کار دموکراتیک را بهبود بخشند و به عنوان روشی برای تقویت وحدت و بهبود کار خود، به نقد و انتقاد از خود بپردازند. همه

بوروکرات، به شدت مصمم هستند که در مبارزات انقلابی استقامت کنند. حزب بیش از هر زمان دیگری مصمم به برانگیختن، سازماندهی و بسیج توده های وسیع مردم فیلیپین و رهبری مبارزه مسلحانه انقلابی و جنبش توده ای انقلابی در سراسر کشور است.

با الهام از مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم و با تقویت رهبری جمعی و اتحاد همه طبقات میهن پرست و دموکرات، مطمئناً حزب بزرگ ما همراه با مردم فیلیپین در سال های آینده انقلاب دموکراتیک ملی را به اوج بالاتر خواهد برد و به پیروزی های بزرگتری دست خواهد یافت.

با الهام از خاطرات کا لان، کا باگونگ تائو، کا جوما، و همه جانب‌باختگان بزرگ و قهرمانان پرولتاریای مردم فیلیپین، بیایید تمام انرژی خود را صرف انجام وظایف دشوار در پیشبرد آرمان های آزادی واقعی، دموکراسی و سوسیالیسم نماییم.

زنده باد خاطرات کا بنیتو تیمازون و کا ویلما تیمازون!

در اهتزاز باد درفش سرخ مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم!

پیش به سوی مبارزه برای آزادی و دموکراسی ملی!

در مسیر انقلاب دموکراتیک ملی و آینده سوسیالیستی آن پایدار باشید!

جنگ طولانی خلق را به جلو هدایت کنید!

زنده باد ارتش نوین خلق!

زنده باد حزب کمونیست فیلیپین!

زنده باد توده های زحمتکش و مردم فیلیپینی!

دفتر سیاسی

کمیته مرکزی - حزب کمونیست فیلیپین

۲۰ اپریل ۲۰۲۳ میلادی

کادرهای حزب آماده اند فداکاری های سنگینی را انجام دهند و در عین حال از نیروی کل اعضا برای غلبه بر همه دشواری ها و چالش ها استفاده کرده و به سوی مسیر یک خیزش انقلابی جدید پیشروی کنند.

کمیته مرکزی اکنون تلاش‌ها را برای تقویت بیشتر انقلاب دموکراتیک خلق رهبری می‌کند. کل اعضای حزب بر اساس برنامه‌ها و وظایفی که کمیته مرکزی در دستورالعمل‌های صادر شده توسط کمیته اجرایی درج شده است، کاملاً متحد شده‌اند.

تمام کمیته‌های حزب وظیفه برانگیختن، سازماندهی و بسیج توده‌ها و رهبری مبارزات اقتصادی و سیاسی آن‌ها را در مبارزه با سیاست‌های نئولیبرالی ضد مردمی، تروریسم فاشیستی دشمن و تشدید مداخله ایالات متحده، و ایجاد گسترده‌ترین جبهه متحد برای منزوی نمودن و مبارزه با رژیم فاشیستی مارکوس امریکایی و افشاگری جنایات شان، را به عهده گرفته است. کمیته مرکزی، ارتش نوین خلق را نیز موظف کرده است که حملات همه جانبه دشمن را به طور کامل خنثی کند، پیوندها را با توده های وسیع دهقانی گسترش دهد و تقویت کند، مبارزات ضد فئودالی را کاملاً تقویت نموده و گسترش دهد و تعداد سازمان های توده ای را افزایش دهد. و شعله های جنگ چریکی را شعله ور و درحومه شهر، پراکنده کند.

کمیته مرکزی در حال حاضر سازمان حزب را مطابق با اصل سانترالیسم دموکراتیک تقویت می‌کند. رهبری جمعی به طور کامل در تمام سطوح تقویت می‌شود. قوانین و انضباط به شدت رعایت می‌شود. برای ایجاد وحدت، تلاش‌ها برای برگزاری منظم جلسات و کنفرانس‌ها به طور جدی انجام می‌شود. سیاست‌ها و دستورالعمل‌ها به‌طور قاطعانه اجرا می‌شوند تا دستور دهند که کل حزب به عنوان یک بدن راهپیمایی نماید. کمیته های رهبری حزب به طور منظم و سریع گزارش هایی را به ارگان های بالاتر ارائه می‌کنند. در تمام سطوح رهبری، کار در سطوح پایین در کنار موقعیت توده‌ها به دقت نظارت می‌شود.

توده‌های وسیع مردم فیلیپین در مواجهه با بحران بدتر سیستم نیمه مستعمره - نیمه فئودالی و رنج‌های شدید، استثمار و ستم تحت امپریالیسم، فئودالیسم و سرمایه‌داری

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت رفیق «آناند» عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست هند (مائوئیست)



به رفقای عزیز حزب کمونیست هند (مائوئیست)!

رفقای گرامی!

با اندوه فراوان اطلاع یافتیم که رفیق «آناند» عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست هند (مائوئیست) پس از پیشبرد یک عمر مبارزه انقلابی علیه ارتجاع و امپریالیزم در هند، به عمر ۶۹ سالگی بر اثر سکنه قلبی درگذشته است. درگذشت این رفیق انقلابی شورشی را به رفقا و خانواده اش تسلیت می‌گوییم. لطفاً غم شریکی ما را به این مناسبت پذیرا باشید.

رفیق «آناند» یک رفیق رزمنده انقلابی پرولتری بود که خدمات ارزنده او در طی چندین سال که به شکل حرفه ای انقلابی (۱۹۷۸ - ۲۰۲۳ میلادی) انجام داده است، نه تنها به نفع انقلاب در هند بلکه به نفع انترناسیونالیزم پرولتری قابل ستایش است، خدمات او برای جنبش بین‌المللی مائوئیستی در مسیر پیشبرد جنگ طولانی مدت خلق در هند، بسیار ارزنده و حیاتی می‌باشد.

یکبار دیگر غم شریکی عمیق ما را به مناسبت درگذشت رفیق «آناند» بپذیرید و بیایید یکجا با هم درین برهه حساس تاریخی تاجر از دست دادن رفیق «آناند» را به تقویت روحیه انقلابی علیه دشمنان سوگند خورده خلق بدل نماییم.

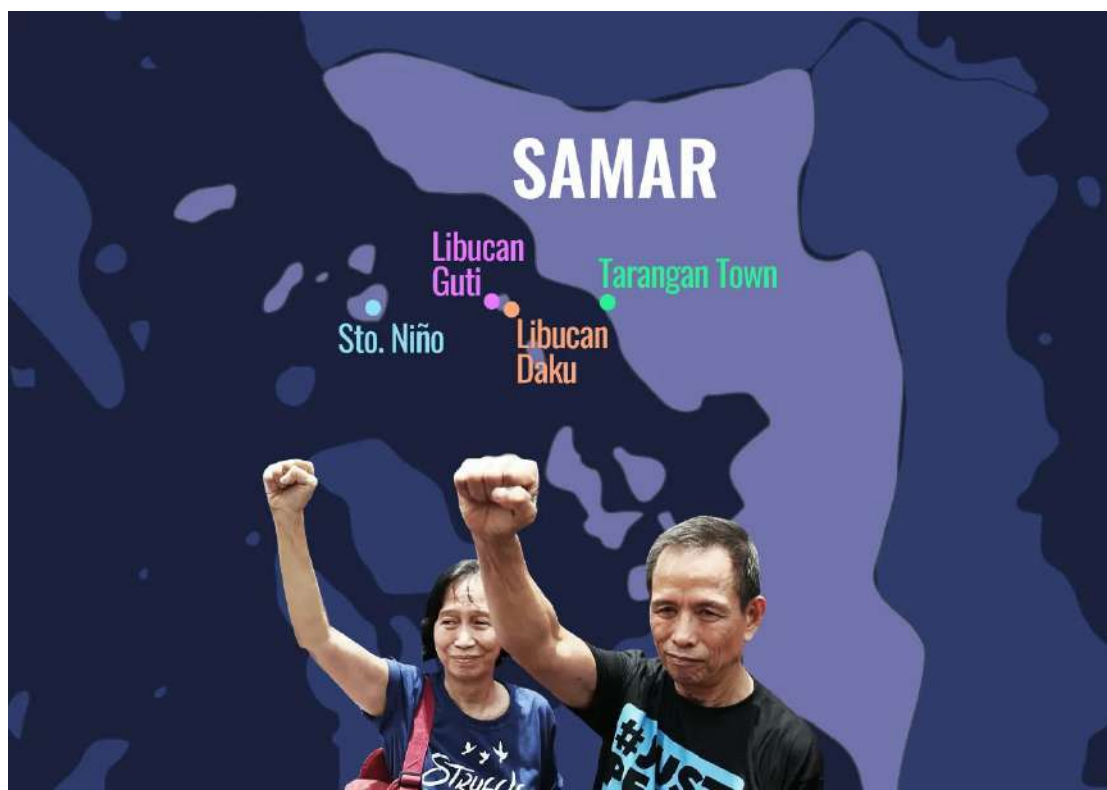
ما در کنار رفقای حزب کمونیست هند (مائوئیست) بوده و خواهیم بود.

یاد رفیق «آناند» زنده و جاودان باد!

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

۲۷ جون ۲۰۲۳ میلادی

مبارزان واقعی خلق، جاودانه اند!



به رفقای حزب کمونیست فیلیپین!

با تاسف و تالم فراوان، اطلاع یافتیم که رفقای ما هریک کا لان (بنیتو تیامزون) و کا باگونگ تائو (ویلما تیامزون) با هشت فرمانده نظامی دیگر، توسط ارتش فاشیستی دولت فیلیپین به شنیع ترین شکل آن به قتل رسیده اند.

ما ضمن تقبیح عمل جنایتکارانه دولت فیلیپین، خود را در غم شما شریک می دانیم، زیرا این پرولتاریای بین المللی است که مبارزین رزمنده خلق خود را از دست داده است و باورمند هستیم که جنایتکاران تاریخ در دادگاه خلق محاکمه خواهند شد.

ما به تعهد و تداوم مبارزه طبقاتی رفقای حزب کمونیست فیلیپین متیقین هستیم و باورمندیم که رفقای ما در حزب کمونیست فیلیپین به تکامل مسیر انقلاب در فیلیپین با درس آموزی از رفقای جانباخته و بنیانگذار آن رفیق سیسون ادامه خواهند داد و انقلاب را تا سرحد کمونیزم با الهام از مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیسم در فیلیپین به پیش خواهند برد، زیرا پیشرفت مبارزات انقلابی در فیلیپین ممد برای مبارزات انقلابی در سراسر جهان خواهد شد.

مبارزان واقعی خلق، جاودانه اند!

رفقای ما کا لان و کا باگونگ تائو در مبارزات پرولتاریای بین المللی ماندگار خواهند بود!

زنده باد مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیسم!

زنده باد حزب کمونیست فیلیپین!

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

۲۷ جون ۲۰۲۳ میلادی

سندی از

«اتحادیه انقلابیون کمونیست افغانستان»

پیشگفتار

نوشته ذیل به امضاء «اتحادیه انقلابیون کمونیست افغانستان» به ایمل آدرس شعله جاوید به ما مواصلت ورزیده است. ما نمی دانیم که این سند به آدرس انحلال طلبان یعنی کسانی که انتقاد سند هذا متوجه آنها است رسیده و یا خیر. ما معتقدیم که اگر به آدرس آنها ارسال شده باشد، آن ها در مقابل این انتقاد سکوت اختیار می کنند. چون چیزی برای گفتن و نوشتن ندارند. همان طوری که در مقابل انتقادات ما چیزی برای گفتن و نوشتن نداشتند و سکوت اختیار نمودند. چون ما با این انتقاد موافقیم آن را با حفظ اصل نسخه در وبسایت حزب نشر می نمائیم، اما در بعضی قسمت های نوشته ما موافق نیستیم لذا مکلفیم تا نظرات خود را ارائه نمائیم. بطور مثال در سند تذکر رفته که:

« بعدازمرگ رفیق ضیا، حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به دو بخش تقسیم شد و دو حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بایک اساسنامه و یک آئین نامه بوجود آمدند. هر دو مدعی اند که مارکسیست-لنینیست-مائوئیست بوده و سکتاریست، ناسیونالیست، خود مرکزین و اپورتونیست نیست. اما هیچ کدام آنها دیگری را قبول ندارد. هیچکدام آنها هم تاکنون علناً در جهت حل اختلافات شان که در حقیقت تضاد درون خلق و غیرانتاگونیست است، گامی را برنداشته.»

بعد از درگذشت رفیق ضیا انحلال طلبی که از سال های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ میلادی تبارزاتی داشت (اسنادی از رفیق ضیا در این زمینه وجود دارد و به زودی انتشار خواهیم نمود) با سخت جانی کامل خود را علنی ساخت، و بعد از مدتی با انتشار به اصطلاح شماره ۲۷ در سایت فاقد اعتبار شعله جاوید، آشکارا به دنبال رویزیونیسم پسا مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی آواکیان گام برداشتند. ما این نوشته را تحت عنوان "نه تنها با ذهنی گرای و سکتاریزم، بلکه با فرکسیونیزم و انحلال طلبی نیز باید مبارزه نمود" نقد نمودیم و در مقاله "باز هم فریب و اغواگری زیر نام حزب کمونیست [مائوئیست] افغانستان" نشان دادیم که رویزیونیسم شان عمیق تر گردیده است. این اسناد در وبسایت حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان موجود است، علاقه مندان می توانند آن ها را مطالعه نمایند.

حزب ما کنگره سوم خود را دایر نمود و در اساسنامه تعدیلات و اصلاحاتی بوجود آورد، لذا اساسنامه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان هیچ ربطی به انحلال طلبان ندارد. انحلال طلبان کاملاً از خط رفیق ضیا و اساسنامه حزب بریده و راه انحراف را در پیش گرفته اند. از این که در سند گفته شده که «هیچکدام آنها هم تاکنون علناً در جهت حل اختلافات شان که در حقیقت تضاد درون خلق و غیرانتاگونیست است، گامی را برنداشته» نادرست است. زیرا ما در ابتدا زیاد تلاش نمودیم تا مانع انحلال طلبی در درون حزب گردیم، مبارزات خویش را تا مدتی بصورت درونی پیش بردیم و شش شماره کمونیست نشریه درونی را در این مورد نشر نمودیم و به دسترس تمامی اعضای حزب قرار دادیم. متأسفانه که آن ها راه خود را انتخاب نمودند و هیچ اعتنایی به نشریه درونی نکردند. از طریق همین نشریه بود که تعدادی از رفقای ما که ابتدا دنبال شان راه افتاده بودند، حقیقت را درک نموده، و از ایشان بریده خط حزب را رهنمای عمل خود قرار دادند. احتمال دارد که انحلال طلبان نشریه را به دسترس بعضی از رفقای شان که با ما رابطه مستقیم نداشته اند، قرار نداده باشند. این مسئولیت بدوش ایشان می باشد. بعد از این که مبارزات درونی نتیجه نداد ما مبارزات خود را بصورت علنی پیش بردیم. از آن جایی که ایشان چیزی برای جواب نداشتند سکوت نمودند، اما از طریق ایمل به تهدید و ارباب پرداختند تا ما را هم به سکوت وا دارند. این اسناد موجود است در صورت لزوم پخش خواهد شد - و تا کنون هم هیچ انتقادی از انحرافات شان نکرده اند.

نقد "اتحادیه انقلابیون کمونیست افغانستان" بر اسناد انحلال طلبان بیان گر آنست که آن ها به هیچ وجه مارکسیست - لنینیست - مائوئیست نیستند.

« هیات تحریر شعله جاوید »

۲۶ دلو ۱۴۰۱ خورشیدی

۱۵ فبروری ۲۰۲۳ میلادی

رفیق اکرم یاری

از دوربین یکی از دو حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

مقدمه:

(مائوئیست) افغانستان با یک اساسنامه و یک آئین نامه بوجود آمدند. هر دو مدعی اند که مارکسیست-لنینیست-مائوئیست است بوده وسکتاریست، ناسیونالیست، خودمركزبین و اپورتونیست نیست. اما هیچ کدام آنها دیگری را قبول ندارد. هیچکدام آنها هم تا کنون علنا درجهت حل اختلافات شان که درحقیقت تضاد درون خلق وغیرانتاگونیست است، گامی را برنداشته.

ارگان مرکزی یکی از این دو حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان چند روز قبل مقاله‌ای را تحت عنوان «**بمناسبت ۷ قوس**» بنشر سپرد و در آن شرحی از زندگی و فعالیت سیاسی رفیق اکرم یاری را گزارش داد. همین ارگان بمناسبت ۲۰۰ امین سالگرد تولد انگلس نیز مقاله‌ای را منتشر و انگلس را با صفت یک «خردمند» توصیف کرد. تا جائیکه از نوشته‌ها پیداست، نویسندگان این نوشته‌ها یا اسلوب علمی تقرب به حقیقت (Scientific methodology) و با اصول معرفت شناسی آشنا نیستند و یا در مورد رهبران بزرگ مانند انگلس و شاگرد این رهبران مثل رفیق اکرم یاری احساس مسئولیت نمیکنند. و با استناد به مرجع کاذب وغیر قابل اطمینان به اتهام زنی و شایعه باوری دامن میزنند.

الف: انگلس «مشعل فروزان خردمندی؟»:

این رفقا در مورد 200 امین سالگرد تولد انگلس در مقاله ای تحت نام «**انگلس مشعلی از خرد که هنوز فروزان است**» درباره انگلس حرف زده اند. ما نقد محتوای این مقاله را کنار میگذاریم زیرا از ظرفیت هر نوشته چند صفحه ای خارج است و تنها به نقد عنوان آن بسنده میکنیم.

انگلس در این مقاله «مشعل فروزان خرد» توصیف میشود نه «مشعل فروزان علم» نه «مشعل فروزان مبارزه طبقاتی

انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی، یک نسل جدید از رهبران جنبش کمونیستی را در کشورهای روبه رشد جهان تربیت و آبدیده ساخت. اینها با بینش مرحله نوین کمونیسم مبارزات سیاسی - ایدئولوژیک را در کشورهای شان علیه رویونیسم به پیش بردند. از جنگ انقلابی خلق در برابر تز "همزیستی مسالمت آمیز" دفاع کردند. رفیق گونزالو در پیرو، رفیق اکرم یاری در افغانستان، رفیق جوماسیسون در فلیپین و رفیق ابراهیم کاپاکایا در ترکیه از معروفترین آنها میباشند. جنبش کنونی کمونیستی جهان محصول مبارزات صدر مائو و این رفقا هست و به استثنای رفیق جوماسیسون بقیه همه به جاودانگی پیوسته اند. بنابراین سخن در مورد این رفقا باید حداقل با این سه هدف گفته شود:

- ۱- اطلاعات و معلومات درست و موثق از شخصیت، زندگی و کار سیاسی آنها
- ۲- این معلومات باید علمی، پژوهشی و منطقی بوده و از منابع و ماخذات قابل اعتماد بدست آمده باشد.
- ۳- تماس گرفتن بر تصمیم گیری ها و کارهای سیاسی آنها باید براستدلال علمی و مصداق های عینی استوار باشد. این سه شرط کمترین حق علم، حق مبارزه پرولتری و حق این رفقا میباشند.

گزارش خبری:

بعد از مرگ رفیق ضیا، حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به دو بخش تقسیم شد و دو حزب کمونیست

در یونان باستان، افرادی بودند که با ارتکاب به مغالطات، صحیح را غلط و غلط را درست میساختند. اینها را سوفسطائیان می‌گفتند. سوفسطائیان در یک زمان به این باور پیدا کردند که "حق و ناحق"، "درست و نادرست" اصلاً وجود ندارند و زبان و کار با واژه‌ها تعیین کننده صحیح و غلط است. بعدها یک فرقه از آنها جدا شدند و راهی روستا گردیدند تا مردم را طرز سخن گفتن بیاموزند. مردم این افراد را "خردمند" می‌گفتند.

مبادی منطق ارسطو محصول کار اینها هست. این واژه در زمان آل بویه وارد ادبیات فارسی شد.

ب: آفرینش ایهام و حفره‌های تاریک:

در قسمت اول نوشته گفته میشود: "بعدها اکرم وارد مکتب ابتداییه سلطان مودود شد و در آنجا تا صنف ۵ ابتداییه درس آموزش دید (!). اکرم در صنف پنج مدرسه بود که برادر بزرگش، محمد سرور یاری- او از طریق بورسیه تحصیلی دولتی به امریکا رفته بود- به طرز مشکوک در آنجا کشته شد. شایعات در میان مردم، دست خاندان سلطنتی را در این قتل دخیل میدانست". در این گزارش زمان هیچ واقعه ای معلوم نیست. مثلاً؛ رفیق اکرم یاری در کدام سال در صنف پنجم بود؟ و برادرش در کدام سال بقتل رسید؟ سالهای گذشته در تلویزیون هرات برنامه ای بود بنام "ایشته خاشد". در آنجا جوانی از مادرش تاریخ تولدش را میپرسد. مادرش تاریخ تولد او را به یک واقعه مانند تولد پسرخاله اش ارجاع میدهد و پدرش مخالفت میکند و یک واقعه دیگر را ذکر میکند. تهیه کننده میخواهد نشان بدهد که سنت مالداري و دهقانی بحدی بر ذهن مردم افغانستان چیره است که از واحد زمان استفاده نمیکنند. اما رفیق نویسنده ما حتی همین سنت را هم رعایت نمیکنند نمیگوید که رفیق اکرم یاری همان سال بکابل رفت که "برف زیاد باریده بود" یا

پرولتاریا». انگلس واقعا خردمند بود ولی این همان صفتی است که میتوان بر ارسطو، دکارت، هیوم، کانت، هگل، باویر، فوئیرباخ و غیره نیز اطلاق کرد. اما بین انگلس و همه آنها فاصله‌ای وجود دارد که هیچکس هیچگاه نمی‌تواند آنها را پر کند. با همین مقایسه کوچک می بینیم که نویسنده اهمیت کمونیست بودن انگلس را در درجه های بعد از «خردمند بودن» قرار میدهد. توسل به اینگونه الفاظ دو پهلو یکی از بزرگترین نوع مغالطات است و مغالطه گر هر زمانی میتواند بگوید که «منظور من آن نبوده بلکه این بوده است». الفاظ ذو وجه، چند پهلو که هرکس به زعم خویش آنها میتواند تفسیر کند، خاص ایده آلیزم دینی است. قرآن با همین سبک ضد علم و ضد منطق نوشته شده است.

نقص دیدگاهی این عنوان از همه زننده تر است. بطور واضح دیده میشود که نویسنده به مبارزه طبقاتی و تغییر جهان که انگلس برخلاف تمام آن «خردمندان» دیگر آنها اولویت میداد، اهمیت نمیدهد. مارکس میگفت که فلاسفه جهان را به اشکال مختلف تعبیر و تفسیر کرده اند، حال آنکه حرف بر سر تغییر آن است. انگلس این حرف را با تمام وجودش تصدیق میکرد. پس تغییر جهان که همانا فقط از طریق مبارزه طبقاتی پرولتاریا ممکن است، از نظر نویسنده کمتر از «خردمند بودن» میباشد. او با این عنوان نشان میدهد که با اساسی ترین اصل مارکسیسم یا آشنا نیست و یا به آن اهمیت دست اول نمیدهد.

"خرد" یعنی چه؟ فرهنگ دهخدا و همچنین فرهنگ عمید خرد را درک، آگاهی، عقلانیت و دانائی معنی کرده‌اند. و گفته اند که خردمند فردی است که به مدرسه رفته و هوشیار و دانا شده است. این معنی سنوی یا زبانی این واژه است، اما زبان ره آورد تاریخ است و کمونیستها هم معنی سنوی واژه‌ها را در نظر دارند و هم معنی تاریخی آنها را.

"دوسال پیشتر از سال برنج بنگلادیش بود". این رهبران برای ما سوسیالیزم میسازند!

در این گزارش، بر علاوه موهومیت زمان دلیل هیچ واقعه هم معلوم نیست، مثلاً؛ چرا رفیق اکرم یاری از صنف پنجم مکتب به کابل برده شد؟ (تقدیر و طالع بود یا آب و دانه؟). در حالیکه مکتب ابتدائیه صنف ششم هم داشت؟ معلومات شما نادرست است یا اینکه او از صنف پنجم بکابل نرفته است؟. یا اینکه از کجا میدانید که محمد سرور خان از طریق بورسیه به امریکا رفته بود؟ و یا اینکه کشته شدن سرور خان با رفتن رفیق یاری در کابل چه ربطی دارد؟

در یک جای دیگر همین نوشته میخوانیم: "اکرم یاری، در گوشه شهر کابل اتاقی اجاره کرد و به زندگی ساده اما پر افتخار میان توده های مردم رو آورد". در کجای کابل؟ در کدام سال؟ چنین گفتار "موثق" و "غیرقابل سوال" روی کمونیزم افغانستان را «سرخ» میسازد!

رفیق عزیز!

آیا متوجه نبودید که این معلومات را ندارید؟ پس چرا آنرا نوشتید؟ یا شما آدم تنبل و غبی هستید که رفته معلومات مورد ضرورتان را جستجو نمی کنید و یا فرد نادان و ملاصفتی هستید که تصور میکنید مردم میدانند و عوام فریبی هستید که نه به کمونیزم ایمان دارد و نه بکارش اهمیت میدهد و «کلوخ گذاشته از آب میگذرد» و توده های ناآگاه را فریب میدهد. شاید با همین فریب و اوهام از مردم حق العضویت هم بگیری!

ابهام گوئی این رفیق را در جملات زیرین بیشتر می بینیم. "اکرم در کابل پا به جهان بزرگتر گذاشته بود و با روشنفکران از ملیتهای مختلف، محیط آموزشگاهی جدید، معلمان بطرز دیده ای متفاوت، آشنا شد و نگاه او به جهان هستی دگرگون گردید." یک روز کسی می خواهد دقیقاً بداند که این روشنفکران ملیت های مختلف که ها بودند؟ نظرات آنها چه بود؟ چه واقع شد که نگاه او [اکرم یاری] به جهان هستی دگرگون گردید؟ چگونه

دگرگونی؟؟؟ آیا نوشته این رفیق او را کمک میکند؟ او چه احساسی نسبت به اینگونه حزب های کمونیست (مائوئیست) پیدا خواهد کرد؟

بعضی از رفقا سال ها قبل یک نوشته در مورد سه عقرب یا شش جدی یا هفت ثور یا بیست و چهار حوت تهیه کرده و در کامپیوترش نگهداشته و هر سال تاریخ آنرا نو میکنند و به نشر می سپارند. این روش خوبتر از کار این حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان است زیرا خواننده سرگردان نمیشود و همینکه سطر اول را خواند آنرا بدور انداخته میگوید «این را که همان نوشته پارسال، پیرارسال و پیش پیرارسال است».

ج: تکرار اتهامات سامائی ها:

در اوایل نیمه دوم دهه ۲۰۰۰ یکی از پرچمی ها بنام اجرالدین حشمت در کانادا کتابی را زیر عنوان "دوره مشروطیت" نشر کرد. این فرد با بقایای ساما -درکانادا- مانند سیدحسین موسوی، حکیم پیکار و ذکریا در تماس بود. شاید هم تماس آنها به زمانی بر می گشت که همه آنها در کابل به پیروزی پرچمی ها پیاله بالا می بردند. به هر حال؛ او در کتابش رفیق اکرم یاری را غلام بچه ظاهرشاه معرفی کرد. غلامی که شب و روز را در دربار بسر می برد.

اینکه رفیق اکرم یاری غلام بوده و شب و روز را در دربار بسر می برده برای یک مغز فندقی مانند شیرآهنگر، سیدحسین موسوی ننگ است، زیرا اینگونه افراد در ظاهر مانند ماکیان آزرده خاطر در هر مورد قاق و باقی می کنند، اما از ماهیت و عملکرد جامعه طبقاتی بی اطلاعند. طبقات حاکم برجامعه، طبقات محکوم را برده میسازند، در زندان می اندازند و اگر خواستند آنها را دسته دسته میکشند. کسانی که خصلت سبعیت و درنده خوئی طبقات حاکمه را درک نمیتوانند، حتما نمیتوانند بفهمند که آزادی خودش محصول "غیرت" و "شجاعت"

فردی اجدادش نیست بلکه حاصل فرایندهای اقتصادی-تاریخی و جهانی میباشد.

هزاره‌ها تا زمان الغای جهانی نظام بردگی پسران و دختران شانرا به خوانین و سران عشیره‌های‌شان به رسم بردگی می‌دادند. تا سال ۱۸۳۸ یعنی بعد از جنگ اول انگلیس علیه افغانستان مردم هزاره مالیات سالیانه را به حاکم ترکستان در کندز (مرادعلی بیگ) با برده می‌پرداختند. جان‌وود کاپیتان انگلیسی که در سال ۱۸۳۶ در هزاره جات سفری دارد و در یک جا با کاروان برده‌های هزاره تلاقی میشود و با آنها که از دایکندی به کندز انتقال می‌یابند همسفر میگردد. این گزارش را در کتاب جان‌وود تحت عنوان (A journey to the source of River oxus) مطالعه کنید. خوانین، ملاکین، رباح خواران و ملک‌های هزاره فرزندان دهقانان، شبانان، پیشه‌وران و زحمتکشان هزاره را درازای بدهی‌های‌شان و یا بدلیل آنکه آنها توان اعاشه اولادهای‌شانرا نداشتند میگرفتند و به برده فروشان ازبک و ترکمن میفروختند. این برده‌ها از گوشه و کنار هزاره جات به دره یوسف بیگ (دره صوف کنونی) آورده میشدند و به مباشران خوانین و ملاکین بزرگ آسیای وسطی یا خوارزم بفروش میرفتند. خلق هزاره پسران‌شان را با پیشاوند "غلام" و پساوند یکی از رهبران دینی‌شان مسمی میکردند. چنانچه تا نیم قرن قبل نام‌های مردم هزاره اغلبا غلام محمد، غلام علی، غلام حیدر، غلام سرور، غلام نبی، غلام حسن، غلام حسین، غلام رضا و امثالهم بودند. خلق هزاره از این عبورگاه تاریک و ضد انسانی تاریخ عبور کرده اند.

خلق هزاره تا زمانیکه نظام بردگی در سطح جهان ملغی اعلام شد، در اتمسفر دوره بردگی بسر میبردند. این مسئله در بین تاجک‌ها و پشتون‌ها نیز وجود داشت اما ضعف مرگبار دانش تاریخ نویسان و نقش فریب دهنده "غیرت" در سنت عقبمانده افغانستان مردم تاجک و پشتون را از گذشته‌های‌شان جدا ساخته و حقایق دردناک تاریخ و مبارزه طبقاتی درخشان پیشینیان‌شان در تاریکی مدفون شده است. کتاب الفنس‌تون

بنام (An account of the kingdom of Caboul)، کتاب جیف ایدن بنام (Slavery and Empire in Central Asia)، کتاب برنارد لویس بنام (Race and Slavery in Islam)، سفرنامه جنرال جوسایا هرلان و ده‌ها سند دیگر تاریخی از بردگی در بین پشتونها، تاجکها و ازبیک‌ها گزارشات مفصلی دارند. به این لحاظ اگر رفیق اکرم یاری غلام هم میبود از نظر تاریخ و بنا به ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه قابل بیان بود. و ماهیت فکری و ذهنی طبقات حاکمه افغانستان و نقش ویرانگر دین اسلام را در تحجر و درجا نگهداری جامعه از تغییرات و پیشرفتهای مردم دیگر دنیا نشان میداد. امارفیق یاری غلام نبود و شب و روز هم در دربار زندگی نمیکرد. طبقات حاکمه افغانستان همیشه مانند سگان تربیت شده دستگاه استعمار سرمایه‌داری از اراده اربابان‌شان را نعل بالنعل اطاعت میکنند و برده داری در جهان ممنوع اعلام شده بود و ظاهرشاه بعنوان یک مزدور مطیع استعمار جهانی نمیتوانست غلام نگه دارد. دلیل ممنوعیت بردگی این نبود که استعمار یکبارہ انسان دوستی شده بود بلکه این بود که استعمار میخواست بجای نیروی کار غلام - که در مقایسه با ماشین خیلی ناچیز بود - از ماشین استفاده شود. زیرا با ماشین مواد خام سریعتر به فابریکه و کالای تولید شده بمقیاس بزرگتر و زودتر بازار فروش و مصرف میرسید. استعمار بنا به این دلیل بردگی را ملغی ساخته بود و سگان رام شده افغانستانی آنها که بودند که از فرمان اربابان‌شان سرپیچی نمایند؟ فهم چنین مسئله ای از توان مغز فندقی شیرآهنگر، سیدحسین موسوی، حکیم پیکار، ذکریا خان و برادران پرچمی آنها خارج است و خارج هم باقی میماند.

متأسفانه این سبک مغزی در بیرون از حلقات پرچمی و سامائی هم نفوذ کرده و ذهن حزب کمونیست (مائویست) افغانستان را هم تحت تاثیر قرار داده است. چنانچه گفته میشود: «**این دورانی بود که اکرم یاری در دربار نزدیک به چهار سال در آن با احساس یک "اسیر" به سر میبرد. او با تمام فشار که از جانب درباریان و پدرش اعمال میشد تا در دربار باقی بماند. در روزهای نخست با سرکشی و ناراضیتی**

از دربار خارج میشد؛ روزها و شبها به دربار بر نمیگشت، ولی با تعاس درباریان و پدرش دوباره اکرم نوجوان را وادار میکردند تا دوباره به دربار برگردد؛ ولی بعد از مدتی خلاف خواست پدرش و درباریان قاطعانه ایستاد و برای همیشه از دربار خارج شد. "اگربراستی رفیق یاری اسیر بود (او واژه اسیر را بجای غلام بکار میبرد) پس چطور ممکنست که یک "اسیر" سرکشی کند و شبها و روزها به دربار برنگردد؟ او این منطق کج واین افسانه هزار و یک شب را از "شعله جاوید" و نوشته شیرآهنگر «الهام» میگیرد. یعنی از منابع معتبر و قابل باور!

شیرآهنگر و سید حسین موسوی میخواستند رفیق اکرم یاری را خرد سازند و زنده یاد مجید کلکانی را بزرگ. اما معلوم نیست که حزب کمونیست (مائویست) افغانستان چه کسی را دارد که با خرد ساختن رفیق اکرم یاری، بزرگ بسازد؟

د: مبارزه طبقاتی و ملی خلق هزاره در دهه ۲۰ام قرن گذشته:

رفیق اکرم یاری تنها لقب شهزادگی داشت. او در دربار زندگی نمیکرد و تا زمانیکه کودک بود هر از گاهی به رسم «احترام به پدرمعنوی» به دربار میرفت.

همین دادفرسپنتا پسر شاه عالم از ولایت هرات نیز مانند رفیق اکرم لقب شاهزادگی دارد. شاه عالم یکی ازعیاران و سلحشوران ولایت هرات و برخلاف پسرش مردی شجاع و عیارمنش بود. ظاهرشاه در سفرش به هرات دادفر پسر او را لقب شهزادگی داد تا پدر را در کنار خود نگه دارد. دادفرهیچ زمانی در دربار زندگی نکرده است. ظاهرشاه این حيله را از پدرش آموخته بود. پدرش کفتان علیدوست هزاره (کاپیتان ارتش استعمار انگلیس) را در حالیکه یک روزهم درافغانستان بمکتب نظامی نرفته بود رتبه دگرجنرالی داد. ظاهرشاه نیز مانند پدرش با این گونه حيله ها افراد را به اطرافش جمع میکرد. برخی را

عنوان افتخاری نظامی میداد و معاش و مستمری برایش مقرر میکرد. مثلاً؛ اسحق بیرگید از قریه داود جاغوری را لقب بیرگیدی ملکی داده بود. او ملاهای بزرگ را تحایف و هدایای چشمگیری میبخشید، خاندان حضرت و پیر را زمینهای زراعتی داده بود. و شیخ آصف محسنی را موظف به حل و فصل امور شرعی اهل تشییع در قندهار کرده بود، سید سرور واعظ را بعد از فریب دادن ابراهیم گاوسوار یک عراده ولگای روسی و راننده بخشید. نادرعلی خان جاغوری را به پاداش خدماتش در اسیر ساختن ابراهیم گاوسوار پاداش سناتوری داد و برادرش احمدعلی خان را رتبه تورن جنرالی بخشید. همین سید سرور واعظ و میرعلی احمد مراد خانی که مورد مراجع شاه قرار داشتند روزهای جمعه در مراسم روضه خوانی و دعای عمر دراز برای شاه می گفتند: **السلطان ظل الله في الأرض، فمن أكرمه أكرمه الله، ومن أهانه أهانه الله** (پادشاه سایه خدا بر زمین است، کرامت پادشاه کرامت خدا و اهانت پادشاه اهانت بر خدا است). هزاره‌های مومن فکر می کردند که ابراهیم گاوسوار با اهانت به پادشاه به خدا توهین کرده است.

سخن داهیهانه مارکس را بیاد رفیق نادان و از خود راضی ما بیاوریم که می گفت: «مهم نیست خلق چه میکند، مهم اینست که طبقات حاکمه با آنها چه میکنند». ظاهرشاه وعواملش ستم و استثمار را بر خلق تحمیل میکرد و آخندها و ملاها این ستم را الهی و آسمانی می ساختند. طبقات حاکمه پوست خلق را می کنند و اولیای مذهب آنها را به اطاعت و میداشتند و میدارند. از رئیس عشیره و قریه دار گرفته تا ملا و چلی در خدمت این ستم و استثمار قرارداشته و دارند. عیاران و سلحشوران را با لطایف الحیل به نظام وصل می دادند و دهقانان، چوپانان، پیشه وران و زحمتکشان را به اطاعت و می داشتند و می دارند. لقب «شهزاده» دادن به رفیق اکرم یاری بخشی از این مبارزه طبقاتی درافغانستان بود. افتخار جاودان به رفیق یاری که این مبارزه را به عکس آن مبدل ساخت.

ه: دلایل «لطف» شاه!

محمدگل خان مومند بعد از وفات نادرشاه در زمره مشاورین دست اول ظاهرشاه قرارگرفت. او بعد از محمود طرزی بزرگترین استراتژیست ستمگری ملی ملت پشتون بحساب می آید. تئوری او در مورد تصرف زمین‌های تاجک‌ها در قره باغ شمالی، کوهستان و کوه‌دامن در زمان نادرشاه ثمر داده و موفق از آب درآمده بود. او در کابینه هاشم خان به سمت وزیر داخله مقرر شد. برای گل محمدخان این فرصتی طلائی بود تا نقشه‌هایش را در مورد ملت‌های غیر پشتون و بویژه هزاره‌ها عملی سازد. هزاره‌ها دومشکل داشتند، نخست اینکه آنها از چشم گل محمدخان آریایی نژاد نبودند، ثانیاً آنها به واسطه شاهان صفوی شیعه شده بودند. او تصور میکرد که با مجازات هزاره‌ها هم به قومش خدمت میکند و هم به خدا. او استراتژی «فشار دادن و مجبور کردن بفرار» را در مورد آنها روی دست گرفت. در ولسوالی‌های هزاره نشین بر علاوه قاضی یا عامل و حامل فقه حنفی یک نفر را بنام «محتسب» مقرر کرد. محتسب در هر جا حق داشت از مردم سوالات دینی بکند و در صورت پاسخ نادرست حد اسلامی (دره زدن) را جاری سازد. افراد صاحب نفوذ از قبایل مختلف پشتون و به ویژه وردک می آمدند و مبلغ گزافی را رشوه میدادند تا در یک ولسوالی هزاره نشین حاکم یا قوماندان امنیه، قاضی یا محتسب و غیره مقرر شوند. اینها وقتی به هزاره جات می رسیدند سعی میکردند مبلغی را که پرداخته بودند به اسرع وقت از مردم درآورند. برای این کار ماجراهای گوناگونی را از طریق قریه داران، ملکان و اربابان هزاره مهندسی میکردند. هنگامیکه دهقانان شوربخت با دادن روغن زرد، کمپل پشمی، برک، نم، گلیم، شال، برزو و پول نقد خود را از پنجال این چپاولگران رها میساختند، نوبت به قریه داران، ملک‌ها و اربابان هزاره میرسید، آنها آخرین گوشت باقیمانده براستخوان زندگی مردم را مانند لاشخواران گرسنه منقار میزدند. به این ترتیب

زحمتکشان هزاره تحت سه سنگ آسیاب آرد میشدند، فشار سیستماتیک طبقات حاکمه، ستمگری ملی، و ستمگری مذهبی. استبداد نظام که از استراتژی «فشار و فرار» ناشی میشد، حق مالکیت هزاره‌ها را بر کوه‌ها، چراگاه‌ها، دره‌ها، تالاب‌ها، ایلاق‌ها و زمینهای بایر نفی میکرد. اینها بجای آنکه ملکیت جمعی و همگانی مردم هزاره باشند «سلطانی» خوانده شده بودند و کوچی‌ها و هزاره‌ها حق استفاده یکسان از آنها را داشتند. اما خلق هزاره به دلیل استفاده از چراگاه‌ها و ایلاق‌های شان باید مالیات سنگین بر مواشی شان می پرداختند ولی کوچی‌ها نه. فشار مالیات بر مواشی، ستمگری مذهبی و چور و چپاول مامورین دولتی دمار از روزگار مردم هزاره درآورده بودند. سرانجام آنها در نیمه اول دهه بیستم سده گذشته (۱۳۲۳ ش) در دایکندی دست به قیام مسلحانه زدند. این قیام را مردم هزاره بنام «شورش ابراهیم گاوسوار» می شناسند.

در سال ۱۳۳۱ مردم جاغوری که از ستمگری ملی در قالب خودسری‌های کوچی‌ها و پشتیبانی دولت به ستوه آمده بودند به تعقیب کشتار دکانداران هودقول بدست کوچی‌های قبیله «جوری» دست بقیام مسلحانه زدند. جنگ بین مردم جاغوری و قبیله جوری بزودترین فرصت به مسلح شدن بیشتر از ده هزار جوان هزاره منجر شد. مردم تمام دار و ندارشان را میفروختند و سلاح مهمات میخریدند. هر روز بر تعداد افراد مسلح افزون میگردد. زنان اول نان سنگر را می پختند و در طبراق یا چننه شوهران شان می گذاشتند و بعدا نان بقیه خانواده را می پختند. جو جاغوری، جو نظامی و جنگی کامل بود.

از جایی که رهبری این جنبش در دست خان (شریف خان پیلوت) و ملا (شیخ واحدی هودقول) بود این جنبش حتی خواست‌های مردم را نتوانست مطرح سازد. انرژی مردم به احساسات تبدیل شد و احساسات نیز در فضای منجمد سازنده ناامیدی به کینه مبدل شد. البته این اولین بار نبود که خان و آخند از پشت به مردم خنجر میزدند.

دیری نگذشته بود که آوازه شد سرورخان پسر بزرگ عبدالله خان به توطئه سردار ولی در امریکا بقتل رسیده. با آنکه هاشم خان دیگر صدر اعظم نبود و مالیه بر مواشی هم ملغی قرار داده شده و دولت پست محتسب را لغو کرده بود، اما اوضاع جاغوری، ناهور، قره باغ، مالستان و دایکندی به بشکه های باروت در حال انفجار مشابه بود. ظاهرشاه میدانست که خشم منجمد شده به طغیان توده های تحت ستم و استثمار هزاره مبدل خواهد شد. در بطن این اوضاع رفیق اکرم یاری را لقب شهزادگی داد تا تفنگ های توده های خشمگین هزاره را بر میخ چوبی خانه های شان بیاویزد.

اما در همین رابطه دو علت فرعی دیگر هم وجود دارند:

نخست اینکه عبدالله خان مانند نادر علی خان سناتور-برادرزنش- در محراق شبکه خوانین هزاره قرار داشت. او با خوانین قره باغ، ناهور و غزنی (خوانین محمدخواجه) و همچنین با افراد با نفوذ در مالستان خویشاوندی و خون شریکی داشت. خوانین دایزنگی و دایکندی نیز به نحوی با اینها مرتبط میشدند.

هزاره ها مانند پشتونها در ساختار تاریخی قبیله‌ای بسر میبردند. سران طوایف و خوانین آنها تعیین کننده سرنوشت آنها بشمار میروند. ظاهرشاه این ساختار را میدانست و آگاه بود که یک خان هزاره به راحتی می تواند شبکه عنکبوتی قبایل را به حرکت در آورد یا پاسیفیزه سازد. این حقیقت را نقش نادرعلی خان در قیام ابراهیم گاوسوار نشان داده بود. عظیم بیگ سه پای، ملامحمدعلی، شیخ علی و دیگران نمونه های تاریخی این ادعا بودند. ظاهرشاه بدرستی فهمیده بود که «ماهی از سرگنده گردد نه ز دم». اگر میخواستید هزاره ها را داشته باشید، خوانین و سران قبایل شان را منصب نوازش کنید و منصب بدهید و ملاهای شان را نان چرب و آزادی در فریب و اغوای مردم.

از طرف دیگر اطلاعات ظاهرشاه آگاه بود که شریف خان پیلوت با رئیس عبدالله خان از یک دودمان است و شیخ

واحدی نیز مانند آنها از عشیره «هوقی» می آید و هر دو در زندان بسر می‌برند. از جانب دیگر سردار ولی که برادرزاده و داماد ظاهرشاه بود پسر عبدالله خان را با توطئه بقتل رسانیده. پس او این خان با نفوذ هزاره را از چند جا زخم زده است. با دادن عنوان شهزادگی به رفیق اکرم یاری میتوانست این زخم ها را اندکی مرحم گذاری کند.

ثانیا، اینکه نادرعلی خان جاغوری و برادرانش که با «توطئه سکوت» جنایات شاه در حق مردم هزاره جاغوری را تأیید می کردند مستحق پاداش بودند. نادرعلی خان نوکر وفادار شاه نه تنها شورش برحق ابراهیم گاوسوار را خاموش ساخته بود؛ بلکه او جنبش مردم دهمرده گلزار را علیه تجاوز قبیله کاکر و کشتار مردم بدست قبیله جوری نیز خنثی ساخته بود. او مشوره داده بود که فرقه غزنی را از راه قره باغ و لوای مقر را از راه جنده، گیلان و رسنه به جاغوری اعزام کنند. و برادرش رجب علی خان در جاغوری آوازه انداخته بود که هر کسی که تفنگ بدست بگیرد، زنان و دخترانش را به کنیزی می‌برند و خودش کشته میشود و خود به کابل فرار کرده بود. به این صورت نادرعلی خان و برادرانش زنجیر و زولانه شدن شریف خان پیلوت عموزاده شان را مطیعانه تماشا کرده و چشمانشان را به قتل سرورخان پسر عبدالله خان بسته بودند. شاه اکنون با دادن لقب شهزادگی به خواهرزاده کوچکش از خدمات او تشکر می کرد.

و : پسیفیزم و علل ظهور انحرافات:

نویسنده در مقطع دیگر بر منبر فضل فروشی می نشیند و علیه پسیفیزم و اپورتونیزم «موضع» میگیرد: «با تمام سرکوب و بگیر و ببندها یکسال بعد، در اول ماه می 1348 ش. (منظورش البته 11 ثور 1348 شمسی است- زیرا سال شمسی ماه می ندارد و این تاریخ مصادف است با اول ماه می 1969 میلادی- لعنت به انجوهای امریکائی که حتی تفاوت تاریخ شمسی و میلادی را در ذهن جوانان کشور ما کشته اند) **بزرگترین تظاهرات**

تاریخی درخیابانهای پایتخت ثبت گردید که در آن حدود ۱۵۱ هزار (نه کم نه زیاد) معترض (!) شرکت داشتند. ولی با همه ای اینها، تناقض میان مخفی ماندن هویت تشکیلاتی و برنامه سازمان جوانان مترقی از یک طرف و برآمد آشکار جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید) از طرف دیگر باعث شد، در داخل جنبش، زمینه تبارز عناصر اپورتونیست و پاسیفیست بیشتر فراهم گردد، امر که بر بحران و پراگندگی جنبش شعله جاوید بیشتر می افزود.»

در این پاراگراف چند نکته قابل توجه نهفته است. نخست مخفی ماندن « هویت تشکیلاتی و برنامه س.ج.م.» و « برآمد آشکار جنبش دموکراتیک نوین (شعله جاوید) » میباشد. بنا به فضل فروشی‌های این حزب، این یک تناقض میباشد. «تناقض دانان» این حزب بین «جنبش شعله جاوید که یک جنبش بورژوا- دموکراتیک تیپ نوین بود و جنبش کمونیستی که ماهیت حقیقی سازمان جوانان مترقی بود تفاوت قایل نمی‌شوند. مخفی ماندن تشکیلات س.ج.م. و برآمد آشکار جنبش توده‌ای (شعله جاوید) از نظر تئوریک کاملاً درست است. زیرا رشد و گسترش سازمان کمونیستی (س.ج.م) و اعلام وجود آن تابع رشد پایه‌های عینی و سرعت حاد شدن مبارزات طبقه کارگر میباشد. از نظر تئوریک: جنبش توده‌ای تحت رهبری پرولتاریا که همان جنبش دموکراتیک نوین است ذاتاً ماهیت بورژوا-دموکراتیک دارد و باید علنی و تا حد ممکن گسترده باشد. اما جنبش پرولتری تحت دیکتاتوری بورژوازی بیروکراتیک نمیتواند علنی باشد. از نظر تاریخی، جنبش شعله جاوید تحت قیمومیت تئوریک- سیاسی سازمان جوانان مترقی قرار داشت و از نظر ایدئولوژیک دو روند مختلف بودند. رهبران جنبش دموکراتیک نوین انجنیرعثمان، اسحق نگارگر، عین علی بنیاد، عزیزسیاه پوش و تعداد محدودی از اعضای سازمان جوانان مترقی بودند. افرادی مثل انجنیرعثمان وعین علی بنیاد و غیره کمونیست نبودند. «تناقض دانان»

حزب کمونیست (مائویست) افغانستان با آنکه واژه‌های سنگین را در دکان فضل فروشی‌شان دایماً فروخته و میفروشد ولی در طاقچه‌ها و پس طاقچه‌های ذهن شان حقایق تاریخی زیرگرد و خاک پنهان شده.

در سال‌های ۱۳۴۸ - ۱۳۵۰ انجنیر عثمان و اسحق نگارگر و سپس در ۱۳۵۲ - ۱۳۵۴ داکتر فیض و «انتقاد یون» او، بدنبال آنها سالهاست که حزب کمونیست (مائویست) افغانستان علنی نبودن سازمان جوانان مترقی و گسترده بودن جنبش توده‌ای تحت قیمومیت تئوریک- سیاسی آنرا با غرغروغم و غم «نقد» میکنند. با آنکه مسئله را نه از نظر تاریخی میفهمند و نه از نظر تئوری به آن آگاهی دارند، جملات شانرا با واژه‌های مانند «تناقض» چاشنی «فلسفی» داده اند تا نزد خواننده نا آگاه قابل باور جلوه‌گر شود.

نکته دوم ظهور اپورتونیسم و پسیفیزم است که این رفیق «دانشمند» به آن اشاره میکند. مارکسیزم برآنست که افکار و اعتقادات انسانها محصول شرایط زندگی عینی آنهاست؛ بگفته لنین جریان‌های سیاسی بر مبنای دسته بندی‌های اقتصادی بظهور می‌رسند. این به آن معنی که اپورتونیسم و پسیفیزم از نظر تئوری محصول دسته بندی‌های مختلف خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط هستند، نه محصول مخفی ماندن سازمان و برآمد آشکار جنبش توده‌ای.

مسئله دیگر بحث پسیفیزم است. این همان اتهام غیرعادلانه، غیر رفیقانه و عقده مندانه ای است که از سالهای سال به اینطرف رهبران این حزب آنرا علیه رفیق صادق یاری بلند کرده اند. ما بارها از کانال‌های رسمی و طی بیانیه‌ها و نوشته‌های متعدد از زنده یاد ضیا خواستیم که برای اثبات این ادعا یک سند ولو خیلی مختصر و کوچک را به نشر بسپارد. اگر سندی وجود ندارد از اشارات تاریخی به اثبات آن دست بزند، اما هیچ زمانی او حداقل برای تبرئه خودش از افترا بستن، اقدامی نکرد. این مسئله را حتی دول امپریالیستی و پولیس فاشیست

آنها رعایت میکنند که هیچکس مجرم نیست مگر اینکه جرمش اثبات شود، لیکن حزب کمونیست (مائویست) افغانستان آنرا رعایت نمیکند. در اروپا، امریکا، کانادا، استرالیا هیچکسی را بدون سند و مدرک به شکلی که رفیق صادق یاری به پسیفیزم متهم میشود، متهم نمیسازند. حتی جمهوری اسلامی ایران، نظام حاکم بر روسیه و رویزیونیست‌های چینی این قضاوت ضد انسانی و عقده مندانه مریض گونه را در حق کسی بکار نمیبرند. زیرا ادعای را که ادعا کننده برای آن سند و مدرکی ندارد و نمیتواند از نظر عقلی، تاریخی و حتی ضمنی ثبوتش کند دال بر مریض بودن روانی اتهام زننده میدانند.

پسیفیزم یک مکتب فکری است، این مکتب فکری در برنامه کاری‌اش قهر انقلابی را مردود می‌شمارد و آن را محکوم میکند. پسیفیزم مخالفتش را با اکتیویزم انقلابی و تصرف قدرت از طریق قهر سازنده در برنامه کارش می‌گنجاند و در همه جا علیه استفاده از قهر انقلابی شعار میدهد. آیا رفیق صادق یاری یک چنین سیاستی را تعقیب میکرد؟ اگر پاسخ کسی «آری» است پس لطف کند سندی را ارائه نماید تا ما هم باور کنیم. اگر «نه» است پس آنانی را که با اتهام زدن و دروغگوئی کار میکنند، محکوم کند.

رفیق صادق یاری اولین رهبر انقلابی جنبش چپ افغانستان بود که بعد از کودتای ثور مردم افغانستان را فرا خواند تا دست به سلاح ببرند و رژیم مزدوران سوسیال-امپریالیزم شوروی را واژگون سازند. زنده یاد معلم یوسف کمیسار این حزب در اروپا که سابق عضو «سرخا» بود زنده یاد ضیا را در مورد این موضعگیری «خصمانه و عقده مندانه اش» سرزنش کرده بود. زنده یاد ضیا تا زمانیکه معلم یوسف زنده بود این اتهام را کنار گذاشته و آنرا بر لب نمی‌آورد.

رفیق صادق یاری در سند (انقلاب سرخ است یا اکونومیزم خرده بورژوازی) واضحا نشان میدهد که یک رفیق کمونیست میباشد. از رساله دیگر او تحت عنوان «فلسطین کانون انفجار در خاور میانه» مشاهده میشود که او با تمام اهمش از جنبش مسلحانه خلق فلسطین و حق تعیین سرنوشت ملل بدست خویش دفاع میکند.

او در مراسم بخاک سپاری مدیرمسول «گهیز» طی سخنرانی پرشورش گفت که قصابان رژیم را فقط با قهر انقلابی خلق مسلح میتوان از کشتار باز داشت.

ای که راه را خود ندانی --- رهنمائی کی توانی!

ما از این حزب رفیقانه میخواهیم که یاپسیفیزم رفیق صادق یاری را ثبوت کنند تا ما و دیگر اعضای جنبش نیز از آن بیاموزیم و یا دیگر آنرا برای خرد ساختن این رفیق انقلابی بکار نبرند.

جالب اینست که نویسنده نقش داکتر فیض را در فروپاشی سازمان جوانان مترقی با همان بیان منفعلانه بر زبان می‌آورد که بر رفیق صادق یاری حمله میکند. در همین گونه برخورد هاست که می بینیم چگونه ذهنیت های بیگانه با علم و انقلاب درمنجلا ب های اتهام زنی و تاریکی های نادانی بهم می رسند.

او در یک مقطع دیگری نویسد: «**اکرم یاری از زمان که به زادگاهش برگشت و وضع صحی اش کم ببودیافت، همراه با دوستان نزدیک خود، برای دفاع از حقوق دهقانان، از جمله تقلیل میزان بهره مالکانه و لغویبگاری و غیره تلاش نمود. همین اصلاحات اندک که او در رابطه با دهقانان اجرا نموده بود قابل تحمل برای فیودالان و منتفذان منطقه نبودند. از همین رو بسیاری از منتفذین لالش نمودند دولت وقت را مجاب کنند تا جلو اکرم رابگیرد او را زندانی کند.**»

رفیق یاری در ماه میزان سال ۱۳۵۳ شمسی از کارش در شرکت «افغان بیمه» استعفا داد و به جاغوری رفت. او بعد از درو و خرمن گندم در تابستان سال ۱۳۵۴ نخست خرمن را با دهقانان مساویانه تقسیم کرد و سپس زمین هایش را. برج شمالغربی قلعه رئیس عبدالله خان- اقامتگاه قبلی اش- را ترک گفت. و در یک گوشه قلعه برای خود یک خانه گلی دو اطاقه ساخت. استا اسحق نجار آمد و دروازه و کلکین آنرا درست کرد. رفیق اکرم در اطاق شرقی نقشه بزرگ دنیا را آویزان کرد و یک چوکی ساخت استا اسحق و یک میز دست دوم را که از کابل آورده بود در گوشه آن اطاق گذاشت و بمطالعه مشغول شد.

ولو از انقلابی ترین افراد متشکل شده باشد» از خیالات شاعرانه نویسنده منشا میگیرد نه از علم و منطق انقلاب. رفیق عزیز!

اینگونه نوشته‌ها و نشر آن در ارگان مرکزی حزب کمونیست (مائویست) افغانستان ماهیت حزب شما را معرفی میکند. و نشان میدهد که حزب شما در کدام سطحی از دانش قرار دارد و به چه سمتی حرکت میکند. زیرا این نوشته نه حاوی معلومات درست است، نه در آن پژوهش و تحقیقی نهفته و نه از اتهام زنی و دروغگوئی مبرا است و نه موضع‌گیری حتی لیبرالی در آن وجود دارد. شما مختارید بنویسید، اما زمانی که بنام کمونیسم می‌نویسید ما کمونیست‌ها هم خود را مختار میدانیم که حرف‌های درست شما را قبول کنیم و سخنان نادرست شما را رد کنیم. معهذا، نه شما و نه ما بیشتر از یک انتخاب نداریم. و آن اینکه دروغ نگوئیم؛ از منابع جعلی و غیر قابل اعتماد سند نیاوریم، بر کسی تهمت نزنیم، افترا نبندیم، حرف بی سند نگوئیم و... غیره. و اگر گفتیم، باید به دیگران هم حق بدهیم که حرف‌های ما را نقد کنند.

ما امیدواریم شما مسئولیت خطیری را که با گذاشتن عنوان "حزب کمونیست (مائویست) افغانستان" برخورد نهاده‌اید دانش، سبک کار و اخلاق آنرا نیز در خود پرورش دهید. و بیشتر از همه متوجه باشید که حزب کمونیست یعنی حامل شیشه شرافت و عزت پرولتاریا است و بدون دانش حمل این شیشه کار ناممکن میباشد.

اتحادیه انقلابیون کمونیست افغانستان

۱۲ قوس ۱۴۰۱

آدرس مکاتبه با ما

P.O. Box 1

Station H

Montreal Quebec

H3G 2K5

CANADA

آوازه تقسیم خرمن و زمین و ازدواجش با دختر یک خرده مالک هزاره که خان نبود، به گوش دهقانان و چوپان در جاغوری، مالستان، قره باغ، ناهور و دایزنگی رسید. کسانی که تجربه مبارزاتی دارند میدانند که از خوشبین شدن مردم به یک انقلابی تا اینکه مردم از او عملاً پشتیبانی کنند فاصله زیادی وجود دارد. و تا زمانیکه مردم در روستا از یک انقلابی عملاً پشتیبانی نکنند و منافع طبقات حاکمه روستا را به خطر نیاندازند، ملاکین و اربابان علیه او اقدام نمیکنند. رفیق اکرم تا آن حد نتوانسته بود در مردم نفوذ کند که طبقات حاکمه روستا علیه او برخیزند. چند سال بعدتر شاید این اتفاق می افتاد ولی برای اینکار سه الی چارسال کافی نیست. این دروغ محض است که گفته میشود ملاکین و متنفذین جاغوری می خواستند از رفیق اکرم نزد دولت شکایت کنند.

نویسنده در جای دیگر درست رفیق اکرم را از موضع یک انقلابی آگاه و با دانش کنار برده و بر کرسی یک خرده بورژوازی احساساتی و عواطف گرامی نشاند: «یاری عاشق توده های تهیدست بود. اودریافته بود که جامعه فقط به دست این طبقه تهیدست دیگرگونی میپذیرد. بدون حمایت این توده هاهرجنبش میمیرد ولوازانقلابی ترین افرادمتشکل شده باشد.» رفیق اکرم یاری برخلاف این رفیق نویسنده میدانست که «توده تهیدست» یک طبقه نیست. طبقه از نظر علمی تعریف و مرز بندی‌های اقتصادی و اجتماعی ویژه خود را دارد. «توده‌های تهیدست» میتواند اشاره بخلق باشد اما «خلق» و «طبقه» با هم فرق دارند. هیچ کمونیستی «تهیدستان» را یک طبقه نمیگوید و تازه آنهم طبقه‌ای که عهده دار تغییر بنیادی جامعه باشد! یک تاجر استثمارگر که ورشکست شده و تمام جایداد و دارائی اش را از دست داده و بی سرپناه شب‌ها و روزها را در ایستگاه میترو در لندن، آمستردام یا مسکو و نیویارک میگذراند میتواند یک «تهیدست» باشد، اما لزوماً یک انقلابی نیست. وهیچ آدم هوشیاری او را عهده دار «تغییربنیادی جامعه» نمیداند. او ممکنست از نظر معنوی یکی از مرتجع‌ترین راست گرایان مذهبی باشد. این که نویسنده معتقد است «بدون حمایت» افرادی مانند او جنبش میمیرد

شماره دوم « مبارزه دو خط »

مجله بین المللی مارکسیست - لنینیست - مائوئیست در ۸۸ صفحه منتشر شد!

برای دست یابی به شماره دوم مجله به لینک ذیل مراجعه نمایید:

https://drive.google.com/file/d/1ndfdn6PmsXFfn_lwltumt2H0kr50U_Zk/view

عناوین مندرج شماره دوم مجله بین المللی « مبارزه دو خط » قرار ذیل است:

سر مقاله:

موضوعات مربوط به کنفرانس بین المللی مارکسیست - لنینیست - مائوئیست ها:

چرا اتحادیه کارگران کمونیست کلمبیا (م ل م) در کنفرانس بین المللی اتحاد مائوئیستی شرکت نمی کند؟

گالیسیه: بیانیه کمیته ساختمان حزب کمونیست مائوئیست گالیسیه (CCCPMG) پیرامون کنفرانس بین المللی اتحاد مائوئیستی (UMIC) و اتحادیه بین المللی کمونیست ها (ICL)

چرا حزب کمونیست مائوئیست ایتالیا در کنفرانس بین المللی مائوئیستی شرکت نمی کند؟

سندی از اتحادیه کارگران کمونیست کلمبیا (م ل م) در مورد چپ گرائی و مبارزه برای اتحاد کمونیستی

سندی از حزب کمونیست هند (مائوئیست): مواضع حزب کمونیست هند (مائوئیست) در شکل گیری اتحادیه بین المللی کمونیست ها (ICL)

سندی از حزب کمونیست فیلیپین: در مورد تشکیل اعلام شده اتحادیه بین المللی کمونیست ها (ICL)

نکات انتقادی درباره اعلامیه اتحادیه بین المللی کمونیست ها (ICL) از طرف کمیسیون بین المللی حزب کمونیست مائوئیست ایتالیا

اعلامیه سیاسی و اصول اتحادیه بین المللی کمونیست ها (ICL)

مناظره:

جنگ امپریالیستی و پرولتاریا - سندی از حزب کمونیست مائوئیست ایتالیا

چند قطبی گرائی، ضد امپریالیستی نیست! بیانیه ای از طرف کمونیست های انقلابی ناروی (RK)

در مورد ابتکار عمل برای ایجاد یک سازمان بین المللی نوین / از طرف انجمن مائوئیست های کمیته مرکزی حزب پرولتر بنگال شرقی

نیپال - مانیفست وحدت حزبی

جنگ های خلق:

آخرین پیام رفیق (جوما) سیسون، بنیانگذار حزب کمونیست فیلیپین

موضوعات اول ماه می:

اعلامیه بین المللی [احزاب و سازمان های م ل م]

اعلامیه حزب کمونیست هند (مائونیست)

اتحادیه کارگران کمونیست (م ل م) کلمبیا : روز می در بررسی مطالبات ما می گذرد

حزب کمونیست مائونیست ایتالیا: اعلامیه مشترک اول ماه می ۲۰۲۳ صرفاً یک اعلامیه نیست.

----- اختصارات: -----

1) UOC (MLM) = Union Obrera Comunista (MLM)

اتحادیه کارگران کمونیست (م ل م) کلمبیا

2) CCIMU = Coordinating Committee for the Unified Maoist International Conference

کمیته هماهنگی برای کنفرانس بین المللی اتحاد مائونیستی

3) UMIC = Unified Maoist International Conference

کنفرانس بین المللی اتحاد مائونیستی

4) ICL = International Communist League (ICL)

اتحادیه بین المللی کمونیست ها

5) CCCPMG = Comitê de Construção do Partido Comunista maoista da Galiza

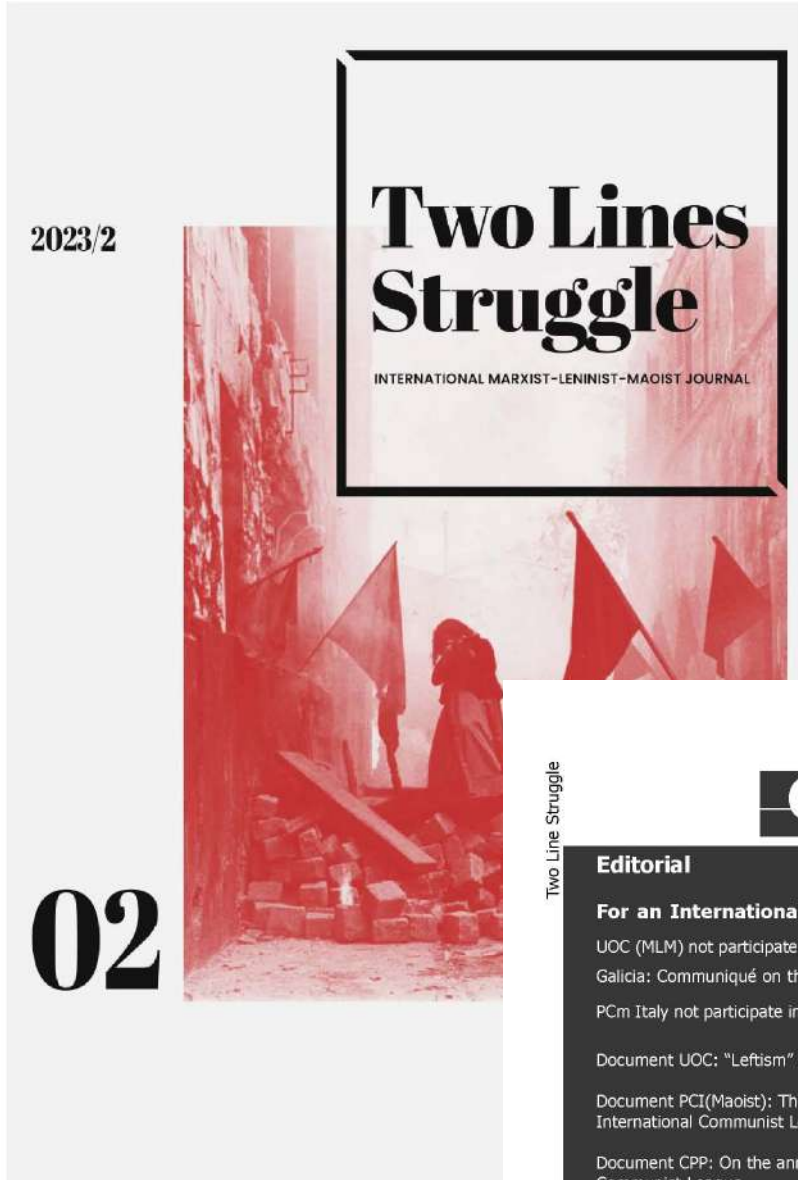
کمیته ساختمان حزب کمونیست مائونیست گالیسیه

6) RK = Revolutionary Communists (RK)

کمونیست های انقلابی ناروی

7) PBSP - CC = Purba Banglar Sarbahara Party Central Committee

کمیته مرکزی حزب پرولتر بنگال شرقی



2023/2

02

Two Line Struggle

Contents

Editorial	pag. 3
For an International Marxist-Leninist-Maoist Conference	
UOC (MLM) not participate in the International Conference of the CCIMU?	pag. 5
Gallcia: Communiqué on the UMIC and the ICL (CCCPMG)	pag. 6
PCm Italy not participate in the Maoist International Conference	pag. 8
Document UOC: "Leftism" and the struggle for communist unity	pag. 9
Document PCI(Maoist): The Stand of CPI (Maoist) on the formation of International Communist League (ICL)	pag. 24
Document CPP: On the announced formation by the International Communist League	pag. 32
Critical notes about ICL Declaration from PCm Italy International Commission	pag. 33
Political declaration and the principles of International Communist League	pag. 37
Debate	
Imperialist war and proletarians - PCm Italy	pag. 55
Multipolarism is not anti-imperialism! Statement from the RK Norway (RK)	pag. 65
On the Initiative for Building a New International Organization/Forum of Maoists CC, PBSP	pag. 67
Nepal -The Manifesto of Party Unity	pag. 70
People's Wars	
Final Message Of CPP Founding Chairperson Joma Sison	pag. 71
May Day	
International Declaration	pag. 77
Declaration by CPI(Maoist)	pag. 80
UOC: May Day Passing in review our ranks	pag. 83
PCm Italy: MDJD 2023 not only a declaration	pag. 84

گزارشات تصویری

تصاویر جمع آوری شده از تظاهرات های اول ماه می ۲۰۲۳ از نقاط مختلف جهان که توسط رفقای حزب مائوئیست کمونیست ایتالیا در وبسایت راه مائوئیسم به نشر رسیده است. **صفحه (۱۰)**

شکوه و افتخار به رفیق « آناند »

اطلاعیه حزب کمونیست هند (مائوئیست) بمناسبت درگذشت رفیق «آناند» عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست هند (مائوئیست) **صفحه (۲۱)**

بیانیه دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین

در مورد قتل رهبران حزب، "بنیتو تیمزون" و "ویلما تیمزون" توسط خبرگزاری فرانسه **صفحه (۲۲)**

پیام تسلیت

به مناسبت درگذشت رفیق « آناند » عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست هند (مائوئیست) از طرف حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان **صفحه (۲۶)**

مبارزان واقعی خلق، جاودانه اند!

پیام تسلیت به رفقای حزب کمونیست فیلیپین! **صفحه (۲۷)**

رفیق اکرم یاری

از دورین یکی از دو حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان
سندی از اتحادیه انقلابیون کمونیست افغانستان **صفحه (۲۸)**

بیانیه مطبوعاتی

حزب کمونیست نیپال (مائوئیست های انقلابی)

صفحه (۱۴)

مانیفیست وحدت حزبی

سند کمیته سازماندهی کنگره وحدت حزب
کمونیست انقلابی نیپال

صفحه (۱۶)

پیام تبریکی

از طرف: حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان
به: حزب کمونیست انقلابی نیپال!

صفحه (۱۸)

«سازمان زنان کمونیست ترکیه»

کنگره موسس خود را با یک رویداد تاریخی
جشن گرفتند!

صفحه (۱۹)

شماره دوم « مبارزه دو خط »

مجله بین المللی مارکسیست - لنینیست - مائوئیست در ۸۸ صفحه منتشر شد!

صفحه (۳۹)

وبسایت حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان:



www.cmpa.io



آدرس های ارتباطی با حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان:
Sholajawid@cmpa.io // Sholajawid2@hotmail.com



facebook.com/cmpa.io



twitter.com/cmpa_io



instagram.com/cmpa.io